

توقف قانون عفاف و حجاب
رود شورای عالی امنیت ملی به قانون مجلس

تسخیر سیاست گذار
نقش گروه‌های ذی نفع در دولت

خیزش و ریزش
درباره فراز و فرود جنبش‌های کشورهای عربی

چرا رفتیم؟

بشار اسد ۱۰ روز پس از خروج از سوریه
ورفتن به مسکو، اولین بیانیه خود را منتشر کرد



۳
افق

سرمقاله

هشدارهای آیت‌الله به بشار

روایتی از اظهارنظرها و تذکرات آیت‌الله هاشمی
درباره رفتار بشار اسد با مردم سوریه

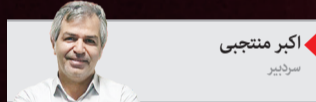


محسن هاشمی‌رفسنجانی
رئیس شورای مرکزی
حزب کارگران سازندگی ایران

حکومت ۵۳ ساله حزب بعث سوریه سقوط کرد، بسیاری از تحلیلگران و مقامات سیاسی و دولت‌های غربی و منطقه‌ای از جمله کشور ما، شگفت‌زده نشدند و رئیس مجلس به عنوان نخستین مسئول ارشد کشور در واکنش گفت: «ما بارها به اسد در مورد توجه به مردم تذکر داده بودیم». البته معلوم نیست دقیقاً منظور از «گفته بودیم»، چه کسانی است؟ آیا مستقیم به اسد گفته شده، یا منظور فقط گفته حاج قاسم سلیمانی است یا دیگر مسئولان نظام را هم شامل می‌شود. لذا بی‌مناسبت نیست که به این بهانه پرونده‌ای را باز کنیم که از نظر افراطیون «گناه نابخشودنی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» محسوب می‌شود. با آغاز بهار عربی در ۱۵ سال قبل، مواضع مختلفی در کشور نسبت به این موضوع گرفته شد که بی‌تأثیر از حوادث سال ۱۳۸۸ نبود. برخی از افراد و مقامات و شخصیت‌ها، بدون در نظر گرفتن نظر مردم صرفاً براساس مواضع و روابط از برخی از این انقلاب‌ها حمایت و برخی را محکوم می‌کردند و بر این اساس از انقلاب مصر و سقوط حسنی مبارک استقبال و با تلاش‌ها در سوریه مخالفت می‌کردند. اما برخی دیگر از شخصیت‌ها، بدون در نظر گرفتن مواضع و منافع به طور اصولی از مردم‌سالاری در کشورهای اسلامی و به قدرت رسیدن حکومت‌های مردمی به جای استبدادی استقبال می‌کردند و مردم‌سالاری را برآمده از روح اسلام و انقلاب اسلامی می‌دانستند. البته این پیام معنوی انقلاب اسلامی بود که با برخی افراط‌گرایی‌ها و کج‌سلیقگی‌ها منجر به دخالت و اقدامات نظامی در کشورهای دیگر شد اما اصل حق تعیین سرنوشت هر کشور توسط مردم آن کشور موضوعی نیست که قابل جدایی از انقلاب اسلامی باشد و بارها مورد تأکید امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب قرار گرفته است. اما بعضی اظهارنظرهای اصولی و دلسوزانه آیت‌الله هاشمی با تخریب افراطیون مواجه شد. در این میان، سردار سلیمانی به عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران که از زمان دفاع مقدس روابط نزدیکی با آیت‌الله هاشمی به عنوان فرمانده جنگ داشت و از سوی رهبر انقلاب نیز مأموریت داشت تا نظرات رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را در حوزه فعالیت‌های برون‌مرزی اخذ و ایشان را در جریان تحولات قرار دهد، جلسات خصوصی با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در این زمینه داشت و ایشان نیز با استدلال لزوم توجه به نظرات مردم سوریه را به ایشان یادآور می‌شدند و سردار سلیمانی نیز با توجه به ارادت قلبی خود به فرمانده جنگ، این سخنان را می‌شنید و تا حد امکان به مسئولان دولت سوریه و سایر مقامات منعکس می‌کرد. البته در این مقطع هنوز داعش تشکیل نشده بود و حدود دو سال بعد داعش با نقش و دخالت مثلث غربی، عبری و عربی تشکیل شد. اکنون پس از ۱۵ سال همان سخنان آیت‌الله هاشمی بازگو می‌شود اما به نظر می‌رسد باز هم به اصل و محور این سخن، یعنی محترم دانستن حق تعیین سرنوشت و اعمال نظر مردم در اداره کشور توجه کافی نشده، چراکه در جریان همین سخنان از لایحه حجاب و عفاف که به صورتی واضح و براساس نظرسنجی‌های رسمی با نظر اکثریت قاطع مردم تضاد دارد، دفاع می‌شود. یکی دیگر از ریشه‌های اصلی سقوط در سوریه، فقر و فلاکت عمومی مردم سوریه حتی در میان نیروهای نظامی و امنیتی این کشور ناشی از هجده دشمنان و سیاست‌های غلط حکمرانی بود، ناترازی‌ها که مترادف محترمانه کسری بودجه و ورشکستگی اقتصاد ملی است، حکومت سوریه را از پا درآورد و متأسفانه امروز همین ناترازی‌ها، اقتصاد ملی ایران را تهدید می‌کند و متأسفانه سه قوه به عنوان نهادهای اجرایی، قانونگذار و ناظر حاضر به پذیرش مسئولیت تغییر سیاست‌های نادرست خارجی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور نیستند. اگر امروز آیت‌الله هاشمی زنده بود حتماً به مسئولان سه قوه و سایر ارکان کشور توصیه می‌کرد به نظرات مردم برای اداره کشور توجه شود و با فکر آینده ایران و نسل‌های بعد، از اقداماتی که منافع ملی و آینده کشور را به خطر می‌اندازد براساس آرمان‌ها و شعارهای غیرقابل اجرا و متناقض با واقعیات امروز جامعه پرهیز شود. به دی ماه نزدیک می‌شویم و در آستانه هفتمین سالگرد رحلت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی قرار داریم، بزرگ‌مردی که همیشه به آینده ایران می‌اندیشید و نگران سرنوشت مردم بود و گناه نابخشودنی او فهم زودتر مسائل و پیش‌بینی رخدادها بود که به مذاق افراطیون خوش نمی‌آمد. باید اصلاح امور و اقدام موثر برای از بین بردن ناترازی‌ها و معیشت مردم را در اولویت کارهای خود قرار دهیم.

مترهم یا مدعی؟

علی شمخانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با چهار دانشجو
اتهاماتی را به رؤسای جمهور پیشین نسبت داد و از نقشش در حوادث سال‌های اخیر سخن گفت
سازندگی به بررسی سخنان او پرداخته است



اکبر منتجبی
سردبیر

هفته پیش چند روزنامه‌نگار در نزدیکی یکی از نهادهای بالادستی، ناگهان یکی از مقامات فعلی دستگاه سیاست خارجی را دیدند. فردی مهم که البته اهل آن نیست خودش را در رسانه‌ها چندان مطرح کند. با این حال او چه در دوره حسن روحانی و چه در دوره پزشکیان از جمله افراد موثر سیاست خارجی است. در حاشیه سلام و علیکی که انجام شد چند سوال هم ردوبدل شد؛ از جمله اینکه مصاحبه جدید علی شمخانی، دبیر پیشین را دیده‌اید؟ با علامت سر تأیید کرد و در پاسخ به این سوال که آیا ادعای او درباره اینکه همچنان مسئول پرونده هسته‌ای است، صحت دارد یا نه. لبخندی زد و گفت: حتماً دارد!

ادامه در صفحه ۷



گزارش

توقف قانون حجاب و عفاف

قانون موسوم به حجاب و عفاف با ورود شورای عالی امنیت ملی لایق تا مدتی متوقف شد

گروه سیاسی: قانون موسوم به حجاب و عفاف با ورود شورای عالی امنیت ملی لایق تا مدتی متوقف شد. این در حالی است که به گفته محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و البته فشارهای بی‌امان تدریجی بهارستان، قرار بود این لایحه ۲۳ آذرماه از مجلس به دولت برای اجرائی شدن ابلاغ شود. هرچند روز موعودی که آقای قالیباف اعلام کرده بود در کمال تعجب مصادف با جمعه شد و همگان فکر می‌کردند که ۲۴ آذرماه ابلاغ خواهد شد اما در نهایت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در نامه‌ای به مجلس خواستار توقف ابلاغ قانون عفاف و حجاب به دولت و اجرای این قانون شده است.

این خبر را علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس تأیید کرد و به ایرنا گفت: «دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است مبنی بر اینکه دولت برای رفع ابهامات در لایحه عفاف و حجاب، قرار است لایحه‌ای به مجلس ارسال کند. این لایحه را دولت گذشته ارسال کرده و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در نامه خود به مجلس خواستار توقف روند ابلاغ این قانون شده است تا لایحه اصلاحی از سوی دولت به مجلس ارسال شود.» همچنین اکبر رنجبرزاده، نماینده مجلس خبر از ممناعت و توقف ابلاغ قانون حجاب و عفاف توسط شورای عالی امنیت ملی داد.

حدود دو هفته پیش و قبل از اینکه اجرائی قانونی در کار باشد، مدتی در فضای مجازی منتشر شد که تحت عنوان جزئیات این قانون دست به دست می‌چرخید که حتی رسانه‌ها نیز به آن استناد کردند. جزئیاتی که حتی دخالت اتباع بیگانه برای تذکره زان را هم باز گذاشته بود. این موضوع علاوه بر مردم، واکنش بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیلگران را برانگیخت. به طوری که دولت کمی بعد صراحتاً اعلام کرد که این قانون اجرا نخواهد شد و باید اصلاح شود. در این راستا شهرام دبیری، معاون پارلمانی رئیس جمهور نیز در رابطه با آخرین وضعیت قانون عفاف و حجاب گفت: ما درخواست کردیم فعلاً این قانون ابلاغ نشود و یک لایحه اصلاحی به مجلس ارسال می‌کنیم تا این موضوع فعلاً متوقف شود سپس بررسی‌های بیشتر را انجام دهیم. در حال آماده کردن لایحه اصلاحی قانون عفاف و حجاب برای ارسال به مجلس هستیم. چندی پیش هم فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت درباره ابهامات قانون عفاف و حجاب برای دولت بیان کرده بود که ملاحظاتی دولت به عنوان مجری قانون دارد و در حال مذاکره است تا این ملاحظات مورد توجه قرار گیرد تا نتیجه خوبی حاصل شود.

نقش یک سیاست‌گذاری به موقع

شورای عالی امنیت ملی که به اختصار «شعاع» نیز نامیده می‌شود در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت که نقش سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌گیر در مباحث مهم سیاست خارجی و امور امنیتی کشور را دارد و مصوبات آن پس از تأیید مقام رهبری لازم‌الاجراست. بنابراین به عقیده بسیاری از کارشناسان، تصمیم این شورا برای متوقف کردن قانون موسوم به حجاب و عفاف از آن هم در شرایط کنونی کشور و اتفاقات بحرانی یک سال اخیر خاورمیانه، بهترین تصمیمی بود که می‌شد برای امنیت کشور گرفت.

به هر حال، پس از حوادث ۱۴۰۱ قوه قضائیه در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ لایحه حمایت از فرهنگ و حجاب را تصویب و به دولت ارایه کرد. هیات وزیران نیز در جلسه مورخ ۲۷ اردیبهشت با قید دو فوریت لایحه را تصویب کرد و ابراهیم ریسی، رئیس دولت سیزدهم، لایحه را برای انجام تشریفات قانونی به مجلس ارسال کرد. مجلس در ۲۹ شهریور سال ۱۴۰۲ آن لایحه را برای اجرائی آزمایشی سه ساله تصویب و به شورای نگهبان ارسال کرد. حدود یک ماه بعد شورای نگهبان اعلام کرد که این لایحه دارای ابهاماتی است و به همین دلیل آن را به مجلس برگردانده است. گفته می‌شد شورای نگهبان چند ایراد به لایحه گرفته بود؛ یکی درباره سیستم‌های تشخیص چهره، دوم بار مالی لایحه و دیگری احتمال ایجاد تداخل وظایف وزارت کشور و دیگر نهادها در اجرائی آن. پیش از آن هم مجمع تشخیص مصلحت نظام، مواردی از این لایحه را مغایر با «سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری» دانسته بود. رفت و برگشت لایحه میان مجلس و شورای نگهبان چند بار انجام شد تا در نهایت اواخر شهریور ۱۴۰۳ شورای نگهبان لایحه را تأیید کرد و حالا شورای عالی امنیت آن را متوقف کرده است.



صرفه‌جویی در سرمایه ملی

رئیس‌جمهور پیش‌کنیان در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت: ما بیش از ۲ تا ۳ برابر کشورهای اروپایی برق و گاز مصرف می‌کنیم. این مصرف بالا که شامل انواع سوخت‌های مختلف است، آلودگی‌هایی نیز به همراه دارد. هزینه‌های ناشی از این مصرف بی‌رویه را دولت و حاکمیت متحمل می‌شوند اما این هزینه‌ها از جیب مردم می‌رود. با همکاری هم می‌توانیم، چرخه اقتصاد کشور را به حرکت درآوریم.



انتقال فناوری‌های نوین

محمد رضا عارف در نهمین جلسه شورای اقتصاد: بهره‌گیری از توان شرکت‌های دانش‌بنیان و انتقال فناوری‌های نوین و روز دنیا در اجرای طرح‌ها، اولویت و راهبرد دولت چهاردهم است. پیش از الزام قانونی پیوست فناوری در اجرای طرح‌ها باید باسور و فرهنگ بهره‌گیری از توان ساخت داخلی اقدام پرکاربرد فناوریانه و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور نهادینه شود.

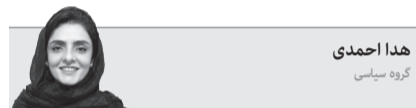


نزوم جرم‌انگاری برای دروغ‌گویی

جواد امام؛ دبیرکل حزب مجمع ایثارگران به پیوست نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه: در نظام کیفری ایران متأسفانه هیچ‌گونه جرم‌انگاری مصرحی در مورد دروغ‌گویی مقامات و کارگزاران حکومتی صورت نگرفته و هیچ کیفر خاصی در این باره پیش‌بینی نشده است. لذا جرم‌انگاری قاطع و صریح در این باره از ضروری‌ترین نیازها و فوری‌ترین مقتضیات برای اصلاح امور کشور و پاسخگو کردن متولیان و کارگزاران نظام در مقابل مردم محسوب می‌شود.

حرف‌های بی‌خریدار

حمله دوباره سعید جلیلی به برجام، ظریف و تکرار سخنان دوران انتخابات



هدا احمدی
گروه سیاسی

سعید جلیلی در نشست‌های تحت عنوان ایران آینده و تشکل پیشرفت که در حوزه هنری برگزار شد، دوباره به محمدجواد ظریف حمله کرد

جلیلی در این برنامه بدون نام بردن از ظریف گفت: «شما یک زمانی می‌گفتید که راه‌حل این است که برویم توافق کنیم و با این توافق مسائل را حل کنیم، سپس مذاکره و توافق کردید و شما هر تعهدی که داشتید را انجام دادید، ولی طرف کلاً خارج می‌شود. بعد همان شخص دوباره سرکار آمده و شما پیشاپیش دارید مطلب می‌نویسید که ما حاضریم توافق جدید کنیم و در موارد جدید توافق کنیم. تنش‌زدایی به چه قیمت؟» سخنان جلیلی بار دیگر نشان داد که تلاش پایدارها و تدریجی‌ها برای برکناری محمدجواد ظریف همچنان ادامه دارد. به اعتقاد جلیلی «در نقطه عطف و بزنگاهی تاریخ که فرصت بزرگ برای مردم ما و مردم منطقه است می‌بینید که چه حرکت‌هایی شکل می‌گیرد. در همین ۱۴ ماه [می‌گویند] مردم ما خسته‌اند، مگر ما از فلسطینی‌ها، فلسطینی‌تر شده‌ایم. تو می‌دانی چگونه صورت‌مساله را تعریف می‌کنی؟»

دیگر بر کسی پوشیده نیست که تدریجی‌ها و شکست‌خورده‌های انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، اگر مستقیم نگویند ظریف، با تشریح دستاوردهایش، او را با طعنه «تو» یا «شما» خطاب می‌کنند. اهرمی به نام محمدجواد ظریف که برای زمین زدن پیش‌کنیان هم مناسبترین گزینه است. جلیلی حتی ۵ روز قبل از این نشست در حوزه هنری، در جمع دانشجویان در دانشگاه خلیج فارس بوشهر هم گفته بود: «زمانی که آقای روحانی برای دومین بار به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شدند، یک سال از دولت ترامپ گذشته بود. آقای روحانی با وجود دولت ترامپ در مناظرات انتخابات سال ۱۳۹۶ گفت: «به من رای دهید تا باقی تحریم‌ها را نیز لغو کنم!» نمی‌توان ریاست جمهوری یک شخص در کشوری دیگر را علت عدم موفقیت دولت خودمان اعلام کنیم! کار اشتباه آن است که وقتی کسی به صورت یک طرفه از توافق قبلی خارج شده است، مجدداً به قدرت می‌رسد، مقاله بنویسیم و اعلام کنیم که آماده‌ایم در موضوعات دیگر نیز با همان شخص مذاکره کنیم.»

آبان‌ماه امسال هم سعید جلیلی با تکرار سخنان خود در زمان انتخابات، گفته بود: «شعاع می‌داند هم ساترفیوژ بچرخد هم اقتصاد؛ نتیجه این شد که از ساترفیوژها فقط ۳۰۰۰ عدد ماند و دلار ۳۰۰۰ تومان شد». به هر حال، شبه‌های نیست که چهره‌هایی مانند سعید جلیلی، حمید رسایی، امیرحسین ثابتی، محمود نبویان، مهدی کوچ‌کزاده به همراه دیگر دوستان‌شان در بیرون و داخل مجلس هستند که از مدت‌ها پیش به هر کاری برای خانه‌نشینی کردن ظریف و در ادامه آن فلج کردن یکی از بال‌های دولت چهاردهم تلاش می‌کنند. همه ما می‌دانیم که انگیزه تدریجی‌ها چیست. مانند جنجالی که بر سر لایحه اصلاح قانون مشاغل حساس به وجود آوردند و در مجلس ۲۰۷ رای موافق، با اصلاح بند ۲ این قانون مخالفت کردند تا ظریف را گوشه رینگ بیندازند. یا آن روزی که رئیس‌جمهور پیش‌کنیان برای دفاع از بودجه سال



نماینده پایداری مجلس که سخنان بی‌منطقش نیازی به معرفی ندارد نیز در توییتهای نوشت: «آیا سیاست تله تش و در تله نمی‌افتیم تیم وزارتخانه ظریف، با حکم جهاد امام خامنه‌ای سازگار است؟»

بنزین روی آتش

البته ظریف سال‌هاست که به حملات این چنینی عادت دارد. او زمانی که در دولت روحانی برای برجام و سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم تلاش می‌کرد نیز از گزند تدریجی‌ها در امان نبود. مجلس نهم و دهم که بسیاری از تدریجی‌ها و اصولگرایان را تشکیل می‌داد تمام تلاشش را برای استیضاح ظریف به کار برد. تدریجی‌ها و مخالفان با ادعای باخت ایران در برجام در کمیسیون امنیت ملی و سخن مجلس بارها تریبون گرفته و برد-برد بودن برجام را انکار کردند. به ظریف تاختند و البته دولت را هم بی‌نصیب نگذاشته بودند. یکی از عجایب پایداری‌ها برای استیضاح ظریف در مجلس دهم این بود که می‌گفتند: «مختومه شدن پرونده نظامی ایران (PMD) به طور رسمی در نتیجه مذاکرات برجام از دستاوردهای شگرف و قطعی جمهوری اسلامی است که مخالفان برجام و ظریف نیز همیشه در این خصوص سکوت کرده‌اند تا مبدا حسنی از محاسن تیم دیپلماسی منتشر شود!» یعنی برای این دستاورد، به طور کل تیم سیاست خارجه دولت را نادیده گرفتند. یا اینکه مدعی بودند که دستگاه دیپلماسی درخصوص کشتار حجاج در منا و عدم احقاق حقوق ملت ایران و خانواده‌های آنها موضعی متغیانه داشت. این سوال حداقل دو بار به طور رسمی هم در ابتدای حادثه منا و هم در سال ۹۶ در کمیسیون امنیت مطرح شده بود و ظریف کل اقدامات وزارت امور خارجه را از بدو حادثه تا پیگیری‌های بعدی و نیز محدودیت‌ها و موانع را به تفصیل تشریح کرده بود.

یکی دیگر از بهانه‌هایی که دو بار هم در سال ۹۶ و ۹۷

در مجلس نهم توسط پورمحمدی و چند نماینده اصولگرا مطرح شده بود تا با آن ظریف را استیضاح کنند این بود که ظریف به اقتصاد در دیپلماسی بی‌توجهی می‌کند. اما مهم‌ترین بهانه آنها درخصوص موضوع FATF بود. همان زمان اسماعیل گرامی‌مقدم در رابطه با علل و انگیزه حقیقی استیضاح‌کنندگان، گفته است: «برخی ثروتمندان برای آنکه اسنادی برای دارایی خودشان ندارند، از تصویب مقررات پولشویی واهمه و نگرانی دارند. در کل به نظر نمی‌رسد استیضاح‌کنندگان دارای استدلال قوی و منطقی به نفع مردم داشته باشند». ۲۴ نماینده متعلق به اقلیت جبهه پایداری در فراکسیون نمایندگان ولایتی مجلس دهم خود را برای استیضاح محمدجواد ظریف آماده کرده بودند و با این همه هم خود این ۲۴ نماینده اصولگرا، هم ۲۶۶ نماینده دیگر مجلس، هم دولتی‌ها و هم فعالان و ناظران عرصه سیاست داخلی و خارجی به خوبی می‌دانستند که برکناری وزیر امور خارجه در بی استیضاح تقریباً غیرممکن است. مجلس دهم اگر چه برای دلواپسانی همچون حاجی‌لیگانی و کریمی‌قدوسی جا داشت اما واقعیت حاکم بر این مجلس اعتدالی، بیش از آنچه دلواپسان می‌پندارند بر منطق و خردورزی متکی بود و با این حساب، بعید بود طرحی همچون استیضاح فردی مانند ظریف بتواند این مرد را از وزارتش در آن سال ها گوشه نشین کند.

تا اکنون که آذرماه سال ۱۴۰۳ هست، می‌توان ظریف را اولین فردی دانست که این چنین در معرض حمله قرار می‌گرفت. ظریف مرد اول کابینه حسن روحانی بود و همچنان مرد اول سیاست خارجی ایران است، به این اعتبار که برجام، مهم‌ترین دستاورد دولت یازدهم بوده و است. برجامی که اگر چه امروز عده‌ای داخل کشور، به دلیل بدعهدی آمریکا و خروج ترامپ از آن، از شکستش سخن می‌گویند، اما همچنان مهم‌ترین سند رسمی و بین‌المللی در بحث هسته‌ای ایران است که علاوه بر حمایت ۵ قدرت جهانی، به تأیید سازمان ملل و شورای امنیت این سازمان نیز رسیده و همزمان سازمان انرژی اتمی نیز آن را به رسمیت می‌شناسد. به هر رو، ظریف در این سال‌ها البته به دلیل دلواپسی‌های گاه‌وبی‌گاه، بارها مود همه تدریجی‌ها قرار گرفت و همچنان و حتی پس از وزارتش نیز پاسخگویی سوالات برجامی و غیربرجامی اقلیت نزدیک به جبهه پایداری هست. کسی که در طول هشت سال ریاست او بر وزارت امور خارجه در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی تدریجی‌ها تمام تلاش‌شان این بود که ظریف را منزوی و حتی خانه‌نشین کنند. هرچند که با روی کار آمدن دولت سیزدهم، فرصتی یافتند تا تمام کینه‌ها را بر سر او خالی کنند و با ادعای اینکه ما بهتر از تیم ظریف می‌توانیم، در این سه سال، نه ظریف، بلکه کل کشور را از عرصه بین‌المللی منزوی کردند.

پنهان نیست که رقابتی پیش‌کنیان، بیش از خود پیش‌کنیان از ظریف و قدرت‌رای‌آوری او می‌هراسند و نگران هستند و به همین دلیل نیز موتور تخریب خود را علیه وی روشن کرده‌اند تا پیش‌کنیان را ادامه‌دهنده راه روحانی بدانند و دولتشان را دولت سوم او بخوانند. این حرف البته خریدار ندارد. خود آنها نیز می‌دانند. سعید جلیلی شاید بهتر از همه نیز بداند اما ترجیح منفعت شخصی بر منافع ملی هرگز به جلیلی و دوستانش این فرصت را نخواهد داد که اگر نمی‌توانند کینه‌توزی‌شان را کنار بگذارند، در چنین شرایط بحرانی‌ای بنزین روی آتش نریزند.



ژاپنی‌ها در تهران

سی‌ودومین نشست مشورتی معاونان وزرای امور خارجه ایران و ژاپن با مشارکت مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران و تاکه‌هیرو فوناکوشی، معاون ارشد وزیر امور خارجه ژاپن در تهران برگزار شد. معاون سیاسی وزیر خارجه ایران ضمن اشاره به پیشینه روابط دیپلماتیک ایران و ژاپن، استمرار رایزنی‌ها بین دو کشور در سطوح مختلف را ضروری توصیف کرد و خواستار توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری شد.



مسکو به ناتو پاسخ می‌دهد

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با بیان اینکه کشورهای ناتو گروه‌های ضربت را در نزدیکی مرزهای روسیه مستقر کرده‌اند، گفت: مسکو به احتمال استقرار موشک‌های آمریکایی در منطقه آسیا - اقیانوسیه پاسخ جامعی خواهد داد. او همچنین گفت، آمریکا به دنبال ایجاد ائتلاف‌های نظامی - سیاسی جدیدی در جهان است و افزود ناتو حضور خود را در منطقه آسیا - اقیانوسیه افزایش داده است، از جمله از طریق استقرار سامانه‌های موشکی.



توافق با حماس

یسرائیل کانس، وزیر جنگ اسرائیل: ما بیش از زمان‌های قبل به معامله تبادل اسرا نزدیک هستیم. اسرا هدف اول جنگ هستند و ما سرسین به یک معامله حتی یک معامله جزئی را تأیید می‌کنیم. معامله جدید تبادل اسرا از حمایت اکثریت اعضای دولت برخوردار خواهد شد. محورهای فیلادلفیا و تزاریم مانعی در برابر اجرای توافق نخواهند بود و طرف مقابل درباره این مسائل انعطاف نشان داده است.

چرا رفتیم؟

بشار اسد از مسکو بیانیه صادر کرد و دلایل خروجش از سوریه را اعلام کرد



فرهاد گلزاری

گروه بین‌الملل

با گذشت یک هفته از سقوط حکومت بعث در دمشق، بشار اسد برای اولین بار بیانیه‌ای درخصوص تحولات اخیر کشورش منتشر کرد. به گزارش ایرنا به نقل از کانال تلگرامی ریاست‌جمهوری سوریه در بیانیه‌ای متناسب به بشار اسد که هنوز صحت‌وسقم آن مشخص نیست، آمده است: به صورت برنامه‌ریزی شده، دمشق را ترک نکردم بلکه تا ساعات اولیه صبح روز ۸ دسامبر در دمشق حضور داشتم. در بیانیه متناسب به بشار اسد، تصریح شده است: با گسترش تروریسم در سوریه و رسیدن آن به دمشق در شنبه ۷ دسامبر، سوال‌هایی در مورد سرزوش رئیس‌جمهور و مکان حضور وی در میان سروصداها و آشوب‌ها و روایت‌های به دور از واقعیت، مطرح شد که به منزله پشتیبانی برای تروریسم بین‌المللی بود.

در این بیانیه آمده است: در لحظه تاریخی تعیین‌کننده از تاریخ وطن، حقیقت باید جایی داشته باشد؛ مساله‌های وجود دارد که باید از طریق بیانیه کوتاهی توضیح داده شود؛ شرایط و رخدادهای بعد از آن با قطع کامل ارتباطات بنا به دلایل امنیتی، اجازه صدور بیانیه را نمی‌داد و بیان نکات مختصر باعث نمی‌شود که در آینده، زمانی که فرصت آن فراهم شود، جزئیات هر آنچه که رخ داد، تشریح نشود. این بیانیه می‌افزاید: ابتدا بگویم من آن طور که شایعه شده است، کشور را به صورت برنامه‌ریزی شده ترک

نکردم، همان‌طور که طی ساعات پایانی درگیری‌ها نیز کشور را ترک نکردم بلکه در دمشق ماندم و مسئولیت‌هایم را تا صبح روز یکشنبه ۸ دسامبر ۲۰۲۴ دنبال کردم.

در این بیانیه که شبکه روسی روسیا‌الیوم (نسخه عربی راشاتودی)، خبرنگار اسپوتنیک روسیه و شبکه‌های آلماندین نیز آن را منتشر کردند، آمده است: با گسترش تروریسم در داخل دمشق با هماهنگی دوستان روسی برای پیگیری عملیات‌های رزمی به لاذقیه رفتم؛ صبح روز ۸ دسامبر پس از ورود به پایگاه حمیمیم مشخص شد که نیروها (ارتش سوریه) از همه خطوط نبرد عقب‌نشینی کرده‌اند و آخرین پایگاه‌های ارتش نیز سقوط کرده است. بیانیه مذکور می‌افزاید: با وخامت اوضاع میدانی، مسکو از پایگاه نظامی روسی برای تخلیه فوری و انتقال به روسیه درخواست کرد و عملیات تخلیه (خروج از سوریه) شب ۸ دسامبر یعنی فرای سقوط دمشق، صورت گرفت. در این بیانیه همچنین آمده است: در جریان این حوادث، موضوع پناهندگی یا کناره‌گیری بنده یا هیچ طرفی مطرح نشد و تنها گزینه مطرح، مداوم نبرد بود؛ کسی که از روز نخست جنگ حاضر نشد، نجات کشور را با نجات خود معامله کند و با ارتش در خط مقدم آتش و جنگ ایستاد؛ کسی که از غیرسوری‌ها و مقاومت فلسطین و لبنان نیز دست نکشید و به متحدانش خیانت نکرد، نمی‌تواند فردی باشد که مردم خود را رها کند.

بیانیه متناسب به اسد می‌افزاید: هرگز، هیچ روزی برای کسب مناصب شخصی تلاش نکردم، خود را صاحب یک طرح ملی با پشتوانه و حمایت مردمی می‌دانستم و به اراده این ملت و توان آن برای حفاظت از کشور، دفاع از نهادها و انتخاب‌های آن تا آخرین لحظه یقین داشتم. اسد افزود: با سقوط دولت به دست تروریسم؛ وقتی دیگر توان انجام کاری نباشد، منصب نیز تهی می‌شود و دیگر باقی ماندن مسئول در آن منصب معنا ندارد؛ البته این به معنی دست کشیدن از وابستگی ملی اصیل به سوریه و ملت آن نیست، این یک وابستگی ثابت است که منصب و شرایط آن را تغییر نمی‌دهد، وابستگی توأم با امید برای بازگشت سوریه به آزادی و استقلال.

نمایندگان غرب در دمشق

دگرگونی ساختاری در خاورمیانه عموماً همراه با بلند شدن بوی باروت و حتی جاری شدن خون همراه است و همین روال در آفریقا هم به چشم می‌خورد که بهار عربی نمونه عینی این مساله است. شاید در مورد ظهور داعش در عراق و سوریه سپس در شمال لیبی همچنین در افغانستان و حتی اعلام حضور آنها در آفریقا طی سال‌های گذشته هم این موضوع صدق کند اما واقعیت این است آنچه در سوریه با گذشت یک هفته از سقوط حکومت بعث به رهبری بشار اسد رخ داد، بدون تردید با هیچ‌کدام از تحولات پیش از یک دهه گذشته که در غرب آسیا و شمال آفریقا به وقوع پیوست، قابل مقایسه نیست. در جوامع توسعه یافته مانند اروپا عموماً تغییر دولت یا دست به دست شدن قدرت با کنشگری سیاسی محقق می‌شود و حتی ممکن است در مدل آمریکایی آن حمله به کنگره به عنوان رکن قانونگذاری این کشور هم اتفاق بیفتد اما در جغرافیای خاورمیانه و آفریقا بر اساس سوابق تاریخی و داده‌های موجود یا کودتا منجر به این امر می‌شود و



یا اینکه دخالت یک قدرت یا قدرت‌های خارجی، بستر تغییر قدرت را فراهم می‌کنند.

در مورد مدل سوریه کنونی هم چنین اتفاقی رخ داده است. جماعتی با پرچم و نام تحریرالاشام از ادب خارج می‌شوند و پس از تسلط بر حلب، به سمت جنوب سوریه راه می‌افتند و نهایتاً به دمشق می‌رسند و همه چیز هم تمام می‌شود. زد و خورد‌های نظامی میان ارتش سوریه و این جریان و همچنین پشتیبانی هوایی روس‌ها هم کاملاً مشهود بود اما در نهایت آنچه که به عنوان یک مساله مهم باید مورد نظر گرفته شود این است که چرا با وقوع تمام این تحولات، ما شاهد آن هستیم که غرب متشکل از ایالات متحده، اتحادیه اروپا و شرکای منطقه‌شان مانند اسرائیل و ترکیه، به دنبال آن هستند تا بی‌پروا یک «مشروعیت‌بخشی اورژانسی» را برای جولانی و یارانش که حالا دستورالعمل‌ها را کنار گذاشته و کت و شلوار بر تن کرده، به ارمان بیاورند!

در این خصوص طی ۷ روز اخیر گفت‌وگوهای زیادی میان دمشق با قدرت‌های فرماندهی و همچنین بازیگران منطقه‌ای شکل گرفته و حالا این گفت‌وگوهای غیر ضروری به ملاقات‌های رو در رو تبدیل شده که همین امر خود تأیید کننده همان تئوری است که گفته می‌شود بازیگران دخیل در این پرونده هر کدام به دنبال آن هستند که از تقسیم یک جدید قدرت، سهم بیشتری را برای خود به دست بیاورند.

در این راستا رسانه‌های سوریه اعلام کردند که گیر پدروسون، فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه در دمشق با احمد الشرع معروف یا همان «ابو محمد الجولانی» فرمانده تحریرالاشام دیدار و گفت‌وگو کرده است. جولانی که خود را فرمانده اداره عملیات نظامی سوریه معرفی می‌کند در این دیدار خواستار بازنگری در قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد شد و در این دیدار بر ضرورت حفظ تمامیت ارضی سوریه و بازسازی این کشور و اهمیت فراهم شدن شرایط برای بازگشت آوارگان سوری تأکید کرد. همچنین تأکید بر بازسازی نهادهای دولتی سوریه به منظور ایجاد نظامی قوی و کارآمد و ضرورت در پیش گرفتن احتیاط در دوره

تعامل با مهر تأیید؟

به موازات سفر پدروسون به دمشق ۳ اتفاق مهم دیگر با محوریت سوریه و تحریرالاشام رخ داده است که این سه موضوع را می‌توان در امتداد و مکمل سفر و دیدار فرستاده ویژه سازمان ملل جولانی قلمداد کرد. نخست، بازگشایی نمایندگی دیپلماتیک سوریه در واشنگتن است که خبری مهم از حیث روندشناسی سیاسی سوریه به حساب می‌آیند. به گزارش ایرنا، تلویزیون ملی سوریه در بیانیه‌ای که در تاریخ خود منتشر کرده است به نقل از منابعی که خواستند نام آنها فاش نشود، اعلام کرد که سفارت سوریه در ایالات متحده (واشنگتن) سه‌شنبه بعد از ۱۰ سال بازگشایی خواهد شد. این در حالی است که سفارت سوریه در آمریکا از سال ۲۰۱۴ و به دنبال تعلیق روابط میان واشنگتن و دمشق تعطیل شده بود.

دوم، اعزام نماینده دیپلماتیک اتحادیه اروپا به دمشق برای رایزنی با دولت انتقالی سوریه است. در این مورد کایا کالاس، مسئول سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا که به نازکی کار خود را شروع کرده، (دوشنبه) پیش از نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا گفت که این نهاد اروپایی نماینده‌ای را به طرفیت از بروکسل به دمشق خواهد فرستاد اما اقدامات دولت جدید سوریه در هفته‌های آتی تعیین‌کننده اقدامات ما خواهد بود. او همچنین اعلام کرد که تعامل با دولت جدید سوریه میان کشورهای اروپایی مورد بحث قرار خواهد گرفت و سطح روابط با آن نیز مشخص خواهد شد. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنین درباره حذف مخالفان مسلح سوری از فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا گفت که اتحادیه اروپا به دقت عملکرد مقامات سوریه را رصد و اقدامات بعدی را بررسی خواهد کرد.

از سوی دیگر کاسپر ولدکمپ، وزیر امور خارجه هلند هم اعلام کرد که لغو تحریم‌ها علیه سوریه به آغاز یک روند سیاسی و تضمین حقوق اقلیت‌ها مرتبط است و هنوز زود است که نام گروه تحریرالاشام از لیست تحریم‌های اروپا حذف شود. اما سووم، اذعان ایالات متحده به برقراری ارتباط مستقیم با تحریرالاشام است. در این مورد آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی خود در اردن و در حاشیه نشست بررسی تحولات سوریه در عقبه از تماس مقامات آمریکایی با مخالفان مسلح در سوریه خبر داد و این اولین باری است که یک مقام رسمی و ارشد آمریکا علناً تأیید کرده که تماس میان تیم بایدن و تحریرالاشام برقرار است.

دیدگاه: یادداشت سیاسی

دوران اسد چگونه تمام شد؟



نوید حسینیون
عضو شورای استان خراسان‌ررضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

در میان بهت‌وحیرت جهانیان، درحالی که منطقه خاورمیانه از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ درگیری از خونین‌ترین مناقشات جهانی بود و همه به سوریه به چشم سدی محکم و به اسد به‌عنوان یکی از بازیگرهای اصلی این مناقشه می‌نگریستند طی ۱۰ روز بدون درگیری جدی فرو ریخت! سرعت و شدت فروپاشیده حکومت در سوریه به قدری سریع و بدون مقاومت بود که حتی خود بازیگران اصلی را نیز شوکه کرد، گویی همه سناریوها از قبل آماده و هماهنگ بوده و همه فقط منتظر خروج بشار اسد از سوریه بودند!

برای ما ایرانیان اما شاید این فروپاشی در حد زنده شدن خاطرات رفتن محمدرضا پهلوی بود، شاه قدرتمندی که بزرگ‌ترین و قوی‌ترین ارتش وقت خاورمیانه را داشت و طبق پیش‌بینی‌ها می‌رفت که دروازه‌های تمدن نوین را فتح کند! در میان تحلیلگران نیز هر کسی به نسبت دوری از نزدیکی به هر کدام از طرفین وقایع را تحلیل می‌کنند عده‌ای دور شدن اسد از ایران و جبهه مقاومت و فروختن خود به وعده‌های غرب را دلیل عمده وقایع سوریه می‌دانند و عده‌ای همراهی سوریه با ایران و خیانت روسیه، طمع ترکیه و کشورهای عربی به جغرافیای مهم سوریه و حمایت اسرائیل از معارضین سوری را دلیل اصلی وضع موجود می‌دانند. در واقع شاید همه این دلایل درصد مهمی از شکل‌گیری سقوط سوریه باشد اما دلیل اصلی را باید در خود سوریه جست‌وجو کرد! دکتر بشار اسد چشم‌پزشک که در سال ۲۰۰۰ میلادی از او به‌عنوان حاکمی جوان و فرهیخته یاد می‌کردند قرار بود سوریه را متحول کند اما او نیز در چاهی افتاد که حکومت‌های توسعه‌گریز می‌افتند! اقتصاد سوریه که در سال ۲۰۰۰ بزرگ‌تر از اسرائیل بود نیز نتوانست باعث نجات سوریه شود، روند اضمحلال ساختارها و نهادها در سوریه با چنان سرعتی پیش رفت که کمک‌های خارجی هم نتوانست اسد را سرپا نگهدارد! در سوریه بشار به جای باز کردن درهای گفت‌وگویی داخلی و بهره بردن از نسل جدید و تقویت نهادهای اقتصادی و بخش خصوصی و ایجاد گفت‌وگومان ملی نقشه حکمرانی براساس میراث پدر اداره شد، درحالی که دنیا و منطقه درحال تحول بود. در عصر جدید حکومتی که تن به تغییرات اساسی و اصلاحات ضروری و پایدار ندهد، رابطه حکومت با مردم رو محکم نکند در تقویت و کارآمدی ساختارها و نهادهای حکمرانی تلاشی نکند و بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را مستحکم نکند، قطعاً اگر فرو

نرزد با چالش‌های سختی روبه‌رو خواهد شد، فرقی نمی‌کند که با شرق عالم پیمان بسته باشد یا با غرب!

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک الموت شرقی (معلم کلاهی)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساخته‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۶۱۶/۱۰۹۰۰۹۰۰۳۰۳۰۱۴ مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساخته‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک الموت شرقی (معلم کلاهی) تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ظهیر ناصری فرزند آقا مصطفی به شماره شناسنامه ۴۲۰ صادره از الموت شرقی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری زراعی باغی به مساحت ۲۱۷۸۷۷ متر مربع پلاک ۱۳ اصلی واقع در بخش ۱۷ قزوین موسوم به قریه و ربیع خریداری از مالک رسمی آقای مصطفی ناصری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

رضاعلی کاظمی الموتی
رئیس ثبت اسناد و املاک

شماره آگهی ۱۸۳۴۹۸۳

موسیقی

سوز زمین موسیقی و شعر

سمینار پژوهشی شناخت موسیقی ایرانی



سمینار پژوهشی «شناخت موسیقی ایرانی» به مناسبت روز ملی پژوهش، با همکاری انجمن موسیقی ایران، خانه موسیقی ایران و خانه کتاب دیا در مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی برگزار شد.

در آغاز این برنامه احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی با اشاره به قدمت پنج هزار ساله موسیقی در ایران گفت: «در کشفیات باستان‌شناسی شوش، الواح باقی مانده که کسانی را در حال نواختن ساز نشان می‌دهد. حضور موسیقی در فرهنگ ایران در دوره‌های مختلف استمرار پیدا کرد و به همین سبب کشور ما را به شعر و موسیقی می‌شناسند و این دو با هم در آمیخته هستند. داستان سرایش شعر «بوی جوی مولیان» آدم‌الشعرا ابو عبدالله رودکی برای امیر بخارا، ظرفیت موسیقایی ایران در آن روزگار و کاربردش در شعر را اثبات می‌کند. این ظرفیت نهفته شعر و موسیقی است. موسیقی همان قدر که با شعر در آمیخته است با ریاضیات نیز چنین است. اگر موسیقی ما ماندگار است چون فلسفه و حکمت و نظریه در پس آن وجود دارد. در نتیجه موسیقی یک علم در ابعاد مختلف است. موسیقی ایران عنصر و ظرفیت ملی این سرزمین است که باید به آن توجه بیشتری کنیم. نباید از داشته‌های ملی غافل شویم و باید به آن بها دهیم. گمان نکنید این میراث کم ارزش است.»

در ادامه سلمان سالک، نوازنده تار و ستهار و استاد دانشگاه با عنوان «بازشناسی مفهوم دستگاه در موسیقی ایرانی: جستاری در وجوه ممیزه گوشه» برای حضاران صحبت کرد و گفت: «اولویت پژوهش موسیقی پرورش شنیداری است. کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، چیزهایی را سلیقه‌ای حذف کرده‌اند، در نتیجه پژوهش موسیقی چندان رضایت‌بخش نیست. این مهم نیاز به آموزش و پرورش دارد. پژوهش اگر به قصد رفع ابهام باشد، مؤثر است و در این حوزه نیاز به این دست پژوهش‌ها داریم.»

سخنران بعد، فرزانه مجریان، نوازنده سنتور و مدرس دانشگاه بود که با موضوع «تعزیه در گیلان: طبقه‌بندی و تحلیل مشاهدات میدانی» سخن گفت. او با این اشاره که تعزیه قسمت‌هایی مانند درآمد، اوج، فرود و موسیقی ریتمیک و متشکل از مناجات نوحه‌خوانی، وداع، رزم و رجز و شهادت است، گفت: «تعزیه اجرای موسیقی‌ای است که به مدد ادبیات، روایتی موسیقایی انجام می‌دهد و ما با نمایش روبه‌رو نیستیم بلکه با اجرای موسیقایی مواجهیم. البته از ساختار اجتماعی تأثیر پذیرفته است و حتی چنان نفوذ داشت که در طول تاریخ، حاکمان با همکاری گروه‌های تعزیه می‌کوشیدند خود را تطهیر کنند.» حمیدرضا گلستانی‌ثانی، دانشجوی دکتری موسیقی دانشگاه دوپلین ایرلند، سخنران بعدی بود که با موضوع «دستگاه به‌مثابه طرح فرمال: تجربه‌ای در آهنگ‌سازی معاصر» سخن گفت. او با تجزیه و تحلیل ردیف از عناصر صوتی موجود دستگاه استفاده کرده و سعی در ایجاد مواد و مصالح جدید با معیارهای آهنگ‌سازی معاصر برای آفرینش دارد. در ادامه او قسمتی از ساخته‌های خودش را، که با همین روش ساخته بود به همراه نت قطعه پخش کرد.

در ادامه بهاره فیاضی با تار و گوهر ناز مسائلی با تبک دونوازی کردند که به بازاجرای قطعاتی از رکن‌الدین مختاری و بداهه‌پردازی در دستگاه چهارگاه پرداختند. این اجرا، مقارن با اولین سال‌مرگ زنده‌یاد نستر هاشمی به روح ایشان تقدیم شد. نوید وزیری، معاون بخش موسیقی مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی و دبیر علمی سمینار از برگزاری بیشتر جلسات علمی و پژوهشی موسیقایی خبر داد و گزارشی از فعالیت‌های موسیقایی این مؤسسه در حوزه پژوهش و آموزش ارائه داد سپس درباره «بررسی جنبه‌های آموزشی سازهای کوبه‌ای موسیقی کلاسیک ایرانی: مطالعه موردی: دوره قاجار» سخن گفت.



کنسرت قمر

گروه موسیقی «قمر» به سرپرستی نوید دهقان و خوانندگی مصطفی جلالی‌پور از ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه یکشنبه ۲ دی در تالار وحدت به اجرای قطعاتی در دستگاه شور، آواز دشتی و آواز اصفهان می‌پردازد. در این کنسرت مرتضی صنایعی (نوازنده نی)، علیرضا گرانیفر (سنتور)، شاهین صفایی (تار)، سپیده شایان‌زاد (تمبک)، ماهگل مقتدر (عود)، مرگان حسینی (قانون) و یکتا کرمانی (آلتو)، اعضای گروه «قمر» را تشکیل می‌دهند.



پژوهش لاله بختیار

مehshid رضوی‌رضوانی: زنده‌یاد لاله بختیار در چند حوزه بین‌رشته‌ای تخصص داشت و به عنوان یک مشاور و درمان‌گر جامعه آمریکا با مشکلات دختران مسلمان مواجه بود. هم‌چنین به‌عنوان استادیو و هنرگر و اسلام‌شناس در دانشگاه شیکاگو تدریس می‌کرد. از سوی نظام آموزش و پرورش آمریکا از او خواسته می‌شود شرح حالی بر زندگی حضرت محمد (ص) هم بنویسد و او مجموعه «تفکر انتقادی و گاه‌شناسی قرآن» را می‌نویسد.



توصیه نصر به بختیار

فروغ پارسا: لاله بختیار طبق توصیه سید حسن نصر که می‌گوید تلاش کن تا بدانی چه دینی داری، در این راستا گام برمی‌دارد. از همان زمان شروع به ترجمه آثار اسلام‌شناسان مهم مثل دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری می‌کند. به‌طور ویژه به حوزه عرفان علاقه‌مند بوده است. با راهنمای‌های دکتر نصر و دکتر غلامرضا اعوانی راجع به تصوف و عرفای مسلمان، تحقیقات ارزش‌مندی دارد.

ستاره‌های از سیستان

نکوداشت دکتر منصور صفت‌گل در خانه اندیشمندان علوم انسانی



آیین نکوداشت دکتر منصور صفت‌گل به همراه رونمایی از جشن‌نامه ایشان با عنوان «از هامون سوی گردون» به همت گروه تاریخ و باستان‌شناسی خانه اندیشمندان علوم انسانی، گروه تاریخ دانشگاه تهران، انجمن ایرانی تاریخ و موسسه پژوهشی میراث مکتوب، شنبه ۲۴ آذر در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

جواد محمدی‌خمک، پژوهش‌گر تاریخ و فرهنگ عمومی منطقه سیستان به‌عنوان نخستین سخنران این مراسم گفت: «امروز آیین نکوداشت فردی فرهیخته و نازنین و دانشمندی برجسته است. می‌خواهم از بستری بگویم که این درخت بارور از آن روئیده و بالیده است؛ از سیستانی که در شاهنشاهی ساسانیان ولیعهدشین بوده است. سیستان سرزمینی است که از دو هزار سال پیش تاریخ خود را با فراز و نشیب پیموه است، این منطقه در دوره اسلامی به دو دوره قبل از مغول و بعد از مغول تقسیم می‌شود که در عهد نخست فلاسفه و اندیشمندان بسیاری از سیستان برخاستند و حتی ابو جعفر صفاری که از ملوک سیستان بود، در فلسفه و حکمت دستی داشت و رودکی در قصیده «مادر می» او را مدح گفته است. سیستان پس از عهد مغول در بخش‌های پایانی تاریخ سیستان هویداست و در همین دوره سیستان مورد هجوم مغولان، تیموریان و ازبکان قرار گرفت و شاعری به نام نحوی در اشعارش از اوضاع اسفناک سیستان در این برهه یاد کرده است. تیره صفت‌گل از تیره‌های بومی سیستان در این دوره اسلامی است و به سند گل هم معروف است و همین خاندان‌ها بودند که در سیستان عهد اسلامی داعیه علم و فرهنگ را ادامه دادند و منصور صفت‌گل از همین خاندان کهن سیستانی است.

در ادامه کازنو موریموتو، ایران‌شناس ژاپنی طی یک پیام تصویری گفت: «از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ به عنوان دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، توانستم از محضر استاد صفت‌گل بهره‌برم و توانستم از راهنمایی‌های او استفاده کنم. موسسه مطالعات پیشرفته آسیا مدیون استاد صفت‌گل است.»

صغویه پژوه برجسته

رسول جعفریان، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران هم گفت: «امروز آیین نکوداشت یک استاد بزرگ، پژوهش‌گر عزیز و ارجمند است که همه با سوابق علمی و پژوهشی او آشنا هستند. آشنایی من با منصور صفت‌گل به سال‌ها قبل برمی‌گردد، منصور صفت‌گل از شاگردان مرحوم عبدالهادی حائری و در زمینه فکر و روش علمی تحت تأثیر او بود. منصور صفت‌گل به صغویه‌پژوهی در داخل و خارج از کشور مشهور است و در ایران صغویه‌پژوهی را چند گام به جلو برده و ارتباطی بین صغویه‌پژوهان داخل و خارج برقرار کرده است که این پژوهش‌ها از کارهای سودمند او محسوب می‌شود. صفت‌گل در زمینه صغویه‌پژوهی چهاردهی برجسته و بین‌المللی است و به مقاله‌های او در بیرون از ایران، توجه بسیاری می‌شود. هم‌چنین او در مقام استاد نیز چهاردهی وجیه و شناخته شده است و از آموزگاران برجسته دانشگاه تهران به شمار می‌آید. او بسیار ایران‌دوست است و از نظر ایران‌دوستی شناخته شده است. او در فضای مجازی حضور چندانی ندارد که از این نظر می‌توان به او انتقاد کرد.»

در ادامه جورجیو روتا، ایران‌پژوه ایتالیایی طی یک پیام تصویری گفت: «افتخار بزرگی است که حتی به صورت مجازی در این مراسم شرکت می‌کنم. چند سال پیش افتخار آشنایی با استاد را پیدا کردم. از مهریانی و مهمان‌پذیری استاد و همسرشان تشکر می‌کنم. کارهای استاد بی‌ظنیر و یکتاست. منصور صفت‌گل با تصحیح و معرفی منابع اصیل، گامی بی‌ظنیر در پیش‌برد مطالعات تاریخی برداشته است. به ویژه چاپ «بیاض دفترخانه‌های همایونی صفویان» و «توقیم نجومی ایران در عهد شاه سلیمان صفوی» از کارهای اخیر او گامی مهم و

سودمند در معرفی منابع محسوب می‌شود.»

همچنین عطاالله حسینی، استاد پیشکسوت دانشگاه شهید بهشتی گفت: «مسأله تاریخ صغویه، مسأله روز تاریخ ایران است و برخی جنبه‌های تاریخ صغویه در فضای امروز ایران به وضوح دیده می‌شود. در تاریخ ایران، فاتحان و ایران‌گران به مرور زمان در فرهنگ ایرانی حل شدند و ایران‌دوست‌تر از خود ایران شدند. سلجوقیان نخستین موج ایران‌گر بودند که به مرور در تاریخ ایران ادغام شدند و حامیان و مروجان فرهنگ ایرانی شدند. موج دوم، یورش و تهاجم ایران‌گر غزها در خراسان است. موج سوم، موج ویرانگر مغولان و تیموریان بود و البته مغولان و تیموریان نیز مروجان فرهنگ و ادب ایرانی شدند. کوتاه سخن آن‌که کار ایران و روند توسعه آن از مسیر پیشرفت و تعامل پیش می‌رود.»

منظومه فکری منسجم

محمدباقر وثوقی، استاد تاریخ دانشگاه تهران نیز در این مراسم گفت: «من افتخار همکاری با منصور صفت‌گل را دارم و بسیار از او آموختم. برای زندگی معلمی، علاوه بر دانش و ادب و مهریانی، یک منظومه فکری لازم است. این منظومه فکری را از شاهنامه یاد گرفتیم. مهم‌ترین ویژگی این مرد، داشتن یک منظومه فکری منسجم است. افتخار می‌کنم که همکار او هستم.» سوسن اصیلی، همسر منصور صفت‌گل نیز در این مراسم از تجربه شخصی خود در زندگی مشترک یاد کرد و گفت: «در ۳۳ سال زندگی مشترک از او انضباط فکری و علمی را دیدم و او هیچ‌گاه در حوزه علمی و زندگی در پی تحمیل نبود. او برای من دوست، همکار و همسر و همراه بسیار خوبی بوده است. او همشه در جهت رشد و تکامل بوده و بسیار آدم حمایتگری بوده و مثل کوه کنارم بوده است. البته او یک پدر خیلی خوب نیز بوده و هیچ وقت از زندگی غافل نشده است. هم‌چنین به سفر بسیار علاقه‌مند است و تقریباً با هم تمام ایران را گشته‌ایم.»

اتوریته علمی

در ادامه عبدالرسول خیراندیش، استاد دانشگاه شیراز گفت: «آشنایی من با منصور صفت‌گل به دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد. سال‌ها در جاهای مختلف با هم هم‌کاری داشته‌ایم. او اتوریته علمی دارد و هر جا که با هم کار کردیم، با بودنش، کار شکل می‌گرفت. منصور صفت‌گل به همراه سوسن اصیلی جدا از مقالات و پژوهش‌های علمی در نگارش کتب درسی نیز فعالیت داشته‌اند.»
در ادامه پیام تصویری رودی متسه، صغویه‌شناس هلندی-آمریکایی پخش شد. در این پیام او از اشتیاق خود برای حضور در ایران یاد کرد و گفت: «منصور صفت‌گل نقش و جایگاه برجسته‌ای

در حوزه مطالعات دوره صفویه دارد. رابطه و آشنایی من به ۳۰ سال پیش برمی‌گردد. او انسانی متواضع و راست‌گو و دانشمندی خردمند است. مطالعات صفویه در نیم سده اخیر رشد بسیاری کرده است و استاد صفت‌گل جایگاه خاصی در این زمینه داشته و با نگارش کتاب «ساختار و نهاد اندیشه دینی در ایران عهد صفوی» گامی مهم در پژوهش‌های صغویه‌شناسی برداشته است.» در ادامه پیام تصویری نویی کوندو، ایران‌شناس ژاپنی پخش شد، او در این پیام گفت: «آشنایی من با منصور صفت‌گل به سال ۱۳۷۱ برمی‌گردد. او همواره در راهنمایی‌های علمی یاریگر من بود.» او هم‌چنین به همکاری‌های تاریخ‌پژوهان ژاپنی با منصور صفت‌گل اشاره کرد و افزود: «ماحصل این همکاری، تصحیح و انتشار چند متن مهم از متون روابط ایران صفوی با فرمانروایان ماوراءالنهر، ازبکان و منشآت بوده است.»

غلامرضا امیرخانی، رئیس کتابخانه ملی هم در این مراسم گفت: «به شاگردی استاد صفت‌گل افتخار می‌کنم. وسعت معلومات وی رشک‌برانگیز است. در دوره دکتری در خدمت استاد بودم. او متخصص همه دوره‌هاست و صرفاً در صغویه خلاصه نمی‌شود.» امیرخانی هم‌چنین به اهمیت آثار ترجمه‌ای و تألیفات دکتر منصور صفت‌گل در حوزه‌های مختلف تاریخی تأکید کرد و گفت: «ترجمه‌های علمی دکتر صفت‌گل، به ویژه کتاب «برآمدن فرمانروایی تیمور»، از منابع معتبر و اصلی تاریخ‌نگاری ایران به شمار می‌روند.» غلامحیدر ابراهیم‌بای‌سلامی، نماینده ادوار مجلس نیز گفت: «استاد صفت‌گل انسانی فرهیخته، مهربان و مودب و البته اهل پژوهش و تحقیق است. او ستاره‌ای از شرق ایران است.»

تاریخ پیچیده ایران

دکتر منصور صفت‌گل در بخش پایانی این مراسم گفت: «خودم را برای چنین مراسمی قابل نمی‌دانم. دلیل انتخاب من احتمالاً این بوده که با چنین برنامه‌هایی، جوانان را برای فعالیت‌های پژوهشی تشویق کنند. هنوز هم فکر می‌کنم باید بیشتر راجع به تاریخ فکر کنیم. این روزها دامنه مجهولات من گسترش پیدا کرده است. تاریخ ایران، تاریخ پیچیده، ریشه‌دار و پراهمیتی است. ایران یک واحد تمدنی است. توجه به تاریخ ایران، توجه به یک حوزه بزرگ تمدنی است. من کوشش‌های اندکی برای فهم تاریخ پیچیده ایران کرده‌ام و راه درازی در شناخت زوایای تاریخ تمدنی ایران داریم. به قول زنده‌یاد مجتبی‌بنی‌یونس اگر به اندازه ران ملخی به فهم تاریخ ایران کمک کرده باشم، زندگی من بی‌حاصل نبوده است. آرزو دارم زمینه‌های مناسب‌تری برای ارتقاء حوزه تمدنی ایران و تحقیقات مربوط به آن فراهم شود. در پایان از همه برگزارکنندگان این مراسم و سخنرانان و حضار تشکر می‌کنم.»

گزارش سینمای مستند

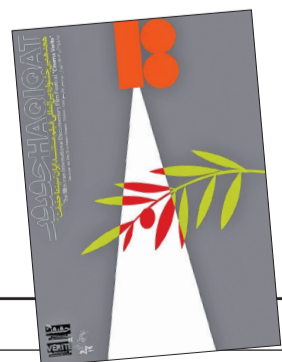
پایان سینما حقیقت هجدهم

فیلم‌های کلانتری و کارت برگزیده شدند

مراسم اختتامیه هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، «سینماحقیقت» روز ۲۵ آذر با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی، محمد حمیدی مقدم دبیر جشنواره، حبیب ایل‌بیگی مدیرعامل موسسه سینماشهر، علی دهکردی مدیرعامل خانه سینما، زینب سلیمانی و جمعی از فیلمسازان و داوران در تالار وحدت برگزار شد.

در این مراسم جایزه ویژه دبیر در بخش شهید آوینی به زهرا فتاحیان شخصیت فیلم «یک وجب خاک» به کارگردانی نیما مهدیان اهدا شد. در بخش بهترین کارگردانی فیلم مستند کوتاه تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی به سارا طالبیان برای فیلم «آبه» تعلق گرفت. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی فیلم مستند نیمه‌بلند به «سرزمین آتش» به کارگردانی سجاد ایمانی اهدا شد. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین پژوهش فیلم مستند به فرشاد آکسای برای فیلم «خط‌القع» تعلق گرفت. در بخش بهترین نویسنده و گوینده گفتار متن؛ تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین گفتار متن و گویندگی به محبوبه زارعی برای نویسندگی و ابوالفضل جلیلی برای گویندگی فیلم «چمدان آبی» اهدا شد. در بخش بهترین صدا نیز تدیس جشنواره و دیپلم افتخار به گیسو آزادروش برای صداگذاری فیلم «لب شور» اهدا شد. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن ضمن تقدیر از آرمان موسی‌پور به محمدمهدی باطنی برای موسیقی فیلم «فاطمی» اهدا شد. در بخش بهترین تدوین فیلم ضمن تقدیر از مستانه مهاجر برای تدوین فیلم مستند «رخ»، تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین تدوین به محمد طالبی برای فیلم «سفرنامه عراق عجم» اهدا شد. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار بهترین تصویربرداری به محمدرضا تیموری برای فیلم‌های «اجاق نواز» و «رخ» اهدا شد. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار جایزه ویژه هیات داوران به حبیب علوانی برای کارگردانی فیلم «آدریان مسافری از ایتالیا» اهدا شد. با حضور زینب سلیمانی، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی جایزه سرپاز وطن به فیلم «جمال» به کارگردانی محمد منصور اهدا شد. تدیس جشنواره و دیپلم افتخار به فیلم «رخ» به کارگردانی سام کلانتری تعلق گرفت. کلانتری پس از دریافت جایزه خود گفت: «چطور دیده‌بان‌های ما چشمان خود را می‌بندند و اجازه فیلمبرداری در سطح شهر نمی‌دهند؟ تا کی کسانی که بچه این خاک هستند و اینجا مانده‌اند، منع می‌شوند؟ اجازه دهید دوربین‌ها به خیابان برود و ثبت کند. ۲۰-۳۰ سال دیگر به این داشته‌ها می‌بالم». در بخش بهترین فیلم، نشان فیروزه، تدیس جشنواره و دیپلم افتخار به محمد کارت برای تهیه‌کنندگی فیلم‌های «تورگی» و «آسانسور» اهدا شد.

کارت گفت: برای من این جشنواره عزیز است چون ۱۱ سال پیش وقتی برای مستند خون‌مردگی جایزه فیلم اجتماعی را اینجا گرفتم، مسیر زندگی هنری‌ام را تغییر داد. اما می‌دانم برای رسیدن به حقیقت باید نگاهمان مدام به واقعیت باشد. پژوهش‌هایم در سال‌های گذشته می‌گفت، هر خانواده ایرانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر اعتیاد و مواد مخدر هستند اما در سه سال اخیر که پژوهش جدی برای یک فیلم داشتم، متوجه شدم متأسفانه اغلب خانواده‌ها و جوانان ایرانی به مقوله مهاجرت فکر می‌کنند که این یک علامت سوال بزرگ است که چرا؟؟؟ حالا در این تورم مشکلات جهان امروز، آقایان نماینده مجلس که فکر می‌کنم باید اکثریت مردم را نمایندگی کنند، دنبال وضع قانونی هستند که هیچ‌گونه پیمان و باور جمعی را با خود ندارد. ما دنبال آرامشیم. شما دنبال چه هستید؟ من به عنوان هنرجوی سینما و یک پژوهشگر کوچک ضمن تشکر از هیات محترم داوران این جایزه را از طرف گروه تقدیم می‌کنم به زنان سرزمینم که پاکی و حیا در قلبشان است. جایزه ویژه دبیر جشنواره به فیلم «پلوره» به کارگردانی علی احمدی‌زین‌کلایی اهدا شد. دومین جایزه ویژه دبیر جشنواره به مصطفی حانزی شخصیت فیلم «کیمیاگر» به کارگردانی مصطفی شبان اهدا شد. جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران نیز به فیلم «تورگی» به کارگردانی توفیق حیدری و تهیه‌کنندگی محمد کارت تعلق گرفت.



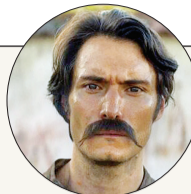
تیلور سوئیفت اول شد

«تیلور سوئیفت»، خواننده و بازیگر ۳۴ ساله در رتبه اول «قدرتمندترین زنان دنیا» در صنعت سرگرمی قرار گرفت. نشریه «فوربز» فهرست جدیدی از این زنان منتشر کرده و سوئیفت را بالاتر از «اوپرا وینفری» مجری ۷۰ ساله و «بیانسه» ۴۳ ساله قرار داده است. این خواننده برخلاف بسیاری دیگر از هنرمندان بخش زیادی از ثروتش را با ترانه‌سازی و برگزاری کنسرت به دست آورده و وارد فهرست میلیاردرهای آمریکایی شده است.



ورود جیمز باند به دنیای کودکان

تهیه‌کنندگان سری فیلم‌های جیمز باند در حال توسعه اقتباسی جدید از رمان کودکان «جیتی جیتی بنگ‌بنگ» نوشته ایان فلمینگ هستند. رمان «جیتی جیتی بنگ‌بنگ» اثری کلاسیک و محبوب در ادبیات کودکان است که توسط ایان فلمینگ، نویسنده مشهور مجموعه رمان‌های جیمز باند نوشته شده است. این کتاب اولین بار در سال ۱۹۶۴ منتشر شد و یکی از آثار شاخص در ادبیات کودک به شمار می‌رود.



کمک سرپال به اقتصاد کلمبیا

فیلمبرداری سرپال جدید با اقتباس از رمان «صد سال تنهایی» نوشته گابریل گارسیا مارکز در کلمبیا با کمک اقتصادی معادل ۵۱.۸ میلیون دلار در این کشور همراه بوده است. مدیر بخش آمریکای لاتین تفلیکس این رقم را به‌عنوان شاخصی از تاثیر این پروژه بر تولید ناخالص داخلی کلمبیا معرفی کرده و افزود که این مبلغ شامل تاثیر هزینه‌های مستقیم تولید و هزینه‌های تزجیره تامین پایین‌دستی است.

کمدی‌ها در صدر

فیلم‌های کمدی رکوردهای یکدیگر را می‌زنند

«هفتاد سی» پس از گذشت ۱۸ روز از شروع اکران، وارد باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌ها شد. از ابتدای سال ۱۴۰۳ چهار فیلم «تگراس ۳»، «زودپز»، «تمساح خونی» و «مست عشق» به این باشگاه قدم گذاشته‌اند اما سرعت رسیدن فیلم «هفتاد سی» به این میزان فروش، سریع‌تر از تمام فیلم‌های قبلی است. با توجه به اینکه حدود دو ماه تا جشنواره فیلم فجر باقی مانده و فیلم شاخص دیگری روی پرده نخواهد رفت، احتمال اینکه «هفتاد سی» با روندی که پیش گرفته دیگر رقبای خود، یعنی «مست عشق» با فروش حدود ۱۲۰ میلیاردی، «تمساح خونی» با فروش حدود ۱۷۰ میلیاردی، «زودپز» با فروش حدودی ۲۰۰ میلیاردی و «تگراس ۳» با فروش حدود ۲۵۰ میلیاردی را کنار بزند، وجود دارد. به‌خصوص اینکه فروش روزانه و هفتگی این فیلم همچنان فاصله معناداری با دیگر آثار روی پرده دارد و اکران آن حداقل تا پایان سال و پس از جشنواره هم ادامه پیدا خواهد کرد. «هفتاد سی» به کارگردانی بهرام افشاری از همان ابتدای اکران با استقبال بسیار بالایی روبه‌رو شده و رکوردهای مختلفی را جابه‌جا کرده است؛ حالا هم پس از گذشت ۱۸ روز از شروع اکران بیش از ۱۰۰ میلیارد فروخته است. این فیلم در این مدت توانسته یک میلیون و ۶۰۰ هزار مخاطب را روانه سینماها کند و فروش ۱۰۰ میلیارد را به ثبت برساند.

«تگراس ۳» به کارگردانی مسعود اطیابی پس از گذشت ۲۵ روز توانست وارد باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌ها شود. «زودپز» به کارگردانی رامبد جوان پس از ۲۰ روز به این باشگاه وارد شد. «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی ۴۰ روزه توانست ۱۰۰ میلیارد بفروشد و «مست عشق» هم حدود ۴۵ روز بعد از شروع اکران ۱۰۰ میلیاردی شد. «هفتاد سی» در سرعت رسیدن به باشگاه ۱۰۰ میلیارد تومانی‌ها هم رکورد سایرین را زده است. این فیلم با بازی بهرام افشاری، هوتن شکیبا، صدف اسپهبدی، مهدی حسینی‌نیا، سیاوش طهمورث و ... از ۷ آذر روی پرده سینماها رفته است. این فیلم هفته قبل در ادامه روند صعودی خود، فروش ۲۹ میلیارد تومانی را تجربه کرده بود. این فیلم در ۷ روز گذشته ۷۸۴ هزار و ۴۹۶ نفر را به سینما کشانده و همچنان به تتهایی مهم‌ترین سکاندار مجموع فروش هفتگی و رقم فروش هفته است.

با این وجود بیش از ۱۲ فیلم سینمایی درحالی اکران می‌شوند که مدت‌هاست کمتر از ۲۰ میلیون تومان در هفته می‌فروشند و مشخص نیست این فیلم‌ها چرا خلاف قواعد اکران، پرده سینما را رها نمی‌کنند. هفته‌هاست که آثاری با فروش کمتر از ۲۰ میلیون تومان یا ۱۰ میلیون تومان در هفته همچنان اکران می‌شوند و مشخص نیست چرا با وجود این عدد فروش بیش از چند هفته متوالی همچنان روی پرده سینما هستند! بر مبنای آمار سما تا ساعت ۲ بامداد یک‌شنبه ۲۵ آذر؛ ۲۶ میلیون و ۴۶۳ هزار و ۴۷۴ نفر در ۶۵۸ هزار و ۹۱۶ سانس که ۵۸ فیلم سینمایی ایران را در سالن‌های سینمایی نمایش می‌دهند به تماشای آثار نشستند و فروشی بیش از ۱.۴۷۷ میلیارد تومان را برای سینمای ایران به ارمغان آورده‌اند. در ۷ روز گذشته فیلم‌های سینمای ایران فرصت نمایش در ۲۲ هزار و ۵۲۷ سانس را پیدا کرده‌اند که نسبت به هفته گذشته شاهد افزایش ۵ هزار سانس بوده‌ایم که افزایش ۳۰۰ هزار نفری مخاطبان را به دنبال داشت. یک میلیون و ۱۷۰ هزار و ۷۰۴ نفر در هفته گذشته به تماشای آثار نشستند؛ به این ترتیب در این هفته، میزان فروش سینمای ایران عددی معادل با ۶۶ میلیارد و ۵۳۶ میلیون و ۷۰۷ هزار تومان بوده است که نشانگر افزایش ۲۰ میلیاردی مجموع فروش سینما نسبت به هفته



این هفته با فروش بیش از ۲ میلیارد و ۱۶۹ میلیون تومانی و فروشی مشابه هفته قبل با اختلاف قابل توجه از ۳ فیلم اول در جایگاه ششم جدول فروش قرار گرفته است. به نظر می‌رسد آثار کودک و نوجوان به ترتیب پس از آثار پر فروش کمدی سینما قرار می‌گیرند و رده‌های چهارم تا هفتم جدول فروش هفتگی به انیمیشن یا تولیدات نوجوان اختصاص یافته است و پس از کمدی‌های پر فروش این آثار کودک و نوجوان هستند که مخاطبان را به سینماها می‌کشانند، البته این رقم می‌تواند حاصل فروش روز و از صبح تا غروب سینماها برای گروه سنی مخاطب این آثار باشد. مشخص است که سرمایه‌گذاری در این حوزه بازگشت سرمایه قابل توجهی برای تهیه‌کنندگان دارد و سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند بر روند فروش گیشه و ذائقه مخاطب تاثیرگذار باشد.

«خان‌کشی» آخرین ساخته مسعود کیمیایی که از ۱۶ آذر بر پرده سینماها آمده است در هفته گذشته توسط حدود ۲۶۳۸ نفر تماشا شده و به فروش ۱۴۹ میلیون تومانی دست یافته است بر این اساس، این فیلم با ۲ پله صعود در جایگاه هفتم قرار می‌گیرد. فارغ از اینکه هیچ‌یک از فیلم‌های کیمیایی در دهه‌های اخیر در گیشه موفق نبوده‌اند اما «خان‌کشی» به نسبت دیگر فیلم‌های او می‌توانست برای تماشاگر کنجکاوی‌برانگیز باشد چراکه حضور بازیگرانی نظیر مهرا ن مدیری، امیر آقایی و ... در فیلمی از کیمیایی در فروش آن تا اندازه‌ای موثر بود اما انتشار مینی‌سریال «خان‌کشی» جایی برای این کنجکاوی باقی نگذاشت و آن دسته از تماشاگرانی که علاقه‌مند به سینمای این کارگردان با سابقه بودند به تماشای این مجموعه نشستند و طبیعی است که آنها زحمت رفتن به سینما در این روزهای سرد را برای تماشای فیلمی از مسعود کیمیایی که مینی‌سریالش را دیدند به خود ندهند.

گذشته است. «زودپز» به کارگردانی رامبد جوان که اکران خود را از ۱۷ مهر آغاز کرده است، این هفته با فروش ۶ میلیارد و ۸۲۲ میلیون تومانی و افزایش یک میلیاردی فروش خود در هفته‌ای که گذشت در جایگاه دوم جدول فروش قرار گرفته است. «زودپز» پیش از این در صدر جدول یک ماهه گذشته قرار داشت و صدرنشین جدول فروش هفتگی بود اما در حال حاضر با اختلاف قابل توجه از «هفتاد سی» دوم است. «صبحانه با زرافه‌ها» به کارگردانی سروش صحت که اکران خود را از ۹ آبان آغاز کرده در این هفته، فروش ۶ میلیارد و ۴۶۰ میلیونی را تجربه کرده است، این فیلم نیز با افزایش ۲ میلیاردی فروش مثل هفته قبل در رتبه سوم جدول فروش قرار می‌گیرد. «باغ کیانوش» به کارگردانی رضا کشاورزحداد که از ۹ آبان و در آستانه روز دانش‌آموز اکران شده در هفته گذشته ۲ میلیارد و ۶۲۰ میلیون تومان فروخته است؛ بر این اساس، این فیلم با فروشی مشابه هفته قبل خود در جایگاه چهارم جدول فروش هفتگی قرار می‌گیرد. اثر ماجراجویانه «باغ کیانوش» پس از سه فیلم کمدی «هفتاد سی»، «زودپز» و «صبحانه با زرافه‌ها» عنوان پر فروش‌ترین فیلم غیرکمدی این روزهای سینماها را از آن خود کرده است. فیلم سینمایی «شنگول و منگول» به کارگردانی کیانوش دلوند و فرزاد دلوند که اکران خود را از ۳۰ آبان آغاز کرده، فروش ۲ میلیارد و ۳۳۷ میلیون تومانی را تجربه کرده است؛ این فیلم در این هفته فروش خوبی داشته است و با افزایش تقریباً ۲ میلیاردی فروش، جایگاه خود را یک پله بهبود بخشید و در جایگاه پنجم جدول فروش هفتگی قرار دارد.

انیمیشن «بعی قهرمان» به کارگردانی حسین صفارزادگان و میثم حسینی که اکران خود را از ۴ مهر آغاز کرده است



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

تسخیر ارتفاع

بورس تهران چگونه در مسیر صعود قرار گرفت؟

مختاب شهریاری
گروه اقتصاد

از ابتدای هفته همه بازارهای داری و مالی روند صعودی به خود گرفتند و توانستند بر ارتفاع قیمتی خود بیفزایند. بازار سهام نیز با عبور از کانال ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد نشان داد، عزم جدی برای تسخیر ارتفاعات بالاتر دارد. در بازار ارز توافقی نیز اتفاقات به نفع بازار سرمایه رقم خورد. قیمت دلار در این بازار که روز گذشته در محدوده ۵۹ هزار تومان تثبیت شده بود امروز به ۶۱ هزار تومان رسید و به این ترتیب فاصله دلار توافقی با بازار آزاد به ۲۳ درصد کاهش یافت که این مقدار از ۲۱ اسفند ۱۴۰۱ بی‌سابقه است.

در جریان معاملات دیروز بورس تهران باز هم شاهد رشد تپیکس بودیم. اما در نهایت شاخص‌سازان مثبت ماندند و شاخص هموزن وارد مسیر نزولی شد. شاخص کل بورس در جریان معاملات دیروز با افزایش ارتفاع ۳۲ هزار واحدی موفق به ثبت ۱۰۲۴ درصد رشد شد و در نهایت کار خود را در کانال ۲ میلیون و ۶۸۶ هزار واحد به اتمام رساند.

نمادهای کوچک و متوسط اما روز متفاوتی را در مقابل یک‌تازای شاخص‌سازان تجربه کردند. به این ترتیب شاخص هموزن در نهایت با ۰.۲۱ درصد کاهش در محدوده ۸۲۴ هزار و ۱۵۱ واحد به کار خود پایان داد.

با وجود رشد ۱/۲۴ درصدی دماسنج اصلی بورس، دیروز شاهد ثبت خروج پول بعد از ۶ روز متوالی بودیم. با ورود خروج پول ۹۳ میلیارد تومانی از گردش معاملات، ارزش معاملات (سهام+حق تقدم) با رشد ۱۵ درصدی به سطح ۱۳ هزار و ۳۹۳ میلیارد تومان رسید.

البته ارزش معاملات خرید با احتساب (سهام+حق تقدم+صندوق‌های قابل معامله سهامی) رکورد ۲۰ ماه گذشته خود را شکست و رقم ۱۸ هزار و ۶۸۲ میلیارد تومان را ثبت کرد. شاخص بورس تهران با رشد بیش از ۳۰ هزار واحدی به مرز ۲/۷ میلیون واحد نزدیک شده است. این در حالی که روند شاخص هموزن نشان داده که تصویر کلی بازار به رنگ سرخ درآمد است. صف‌های خریدی که به طور ممتد، در روزهای گذشته وجود داشت، عرضه شد و در نتیجه آن، دادوستدهای بورس قدری روان‌تر به نظر آمد. با وجود آنکه ۲۵۰ میلیارد تومان پول حقیقی از معاملات سهام و صندوق‌های سهامی خارج شده اما به نظر می‌رسد، فرصت ورود پول‌های تازه نفس فراهم شده است. همچنین خروج نزدیک به یک هزار میلیارد تومانی پول حقیقی از صندوق‌های درآمد ثابت نیز حکایت از تمایل سرمایه‌گذاران به حضور فعال‌تر در بازار سهام دارد. از کف آبان سال جاری بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان سرمایه حقیقی به بازار سهام وارد و ۵ هزار میلیارد تومان از صندوق‌های بدون ریسک خارج شده است. ضمن آنکه طی سه‌مین روز معاملاتی هفته، ارزش ریالی معاملات خرید با احتساب صندوق‌ها از ۱۸ هزار میلیارد تومان عبور کرد که بیشترین مقدار از ۱۹ اردیبهشت سال گذشته است. اختلاف قیمت دلار موثر بر شرکت‌ها که اخیراً دلار توافقی نام دارد با دلار بازار آزاد به ۲۳ درصد رسیده است که در کمترین مقدار خود از ۲۱ آبان سال ۱۴۰۱ قرار دارد. همه این موارد در حالی است که P/E بازار همچنان در کانال ۷ واحد قرار دارد و ارزش دلاری بازار نیز در محدوده کف‌های تاریخی خود مشاهده می‌شود. مقایسه عوامل یاد شده با روندهای گذشته نشان می‌دهد که احتمالاً بازار برای ادامه روند صعودی که آغاز آن آبان سال جاری بوده، عزم خود را جزم کرده است.

دادوستدهای بورس و نماگرهای اصلی این بازار نشان می‌دهد که قدری، صف‌های خرید بازار سبک‌تر شده و فضای روان‌تری برای ورود سهامداران حقیقی و تا‌زنفس به وجود آمده است. روند شاخص هموزن نیز حکایت از آن دارد که بازار به طور کلی سرخ‌پوش شده است. با این حال شاخص‌سازان بورس موفق شدند تا رونق نسبی را در بازار حفظ کنند. ضمن آنکه ارزش معاملات نیز سیگنال خوبی را به بازار مخابره می‌کند. این شاخص در روز معاملاتی دوشنبه از ۱۸ هزار میلیارد تومان عبور کرد تا رکورد جدیدی را ثبت کند. این میزان از ۱۹ اردیبهشت سال قبل بی‌سابقه بوده است. در تاریخ مذکور ارزش دادوستدهای بورسی بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان بوده است. به عبارتی دیگر در سقف ۲/۵ میلیونی سال ۱۴۰۲ بیش از ۴۵۰ میلیون دلار سهام و صندوق سهامی در بازار مورد معامله قرار گرفته است.

۲۳

دلار

قیمت نفت

روز دوشنبه ۱۶ دسامبر، قراردادهای آتی نفت برنت به حدود ۲۳/۸۵ دلار در هر بشکه رسید که احتمالاً به دلیل تعدیل قیمت‌ها پس از افزایش تقریباً ۵ درصدی در هفته گذشته بود. این جهش قیمت به دنبال پیش‌بینی‌ها از کاهش عرضه به علت تحریم‌های جدید علیه تولیدکنندگان عمده مانند روسیه و ایران همچنین خوش‌بینی نسبت به برنامه‌های چین برای افزایش محرک‌های اقتصادی بود که می‌توانست تقاضا را تقویت کند.

۵.۰

میلیارد دلار

ارز برای واردات

از اول فروردین ماه تا ۲۶ آذر ماه امسال نیز ۵۰ میلیارد و ۶۰۸ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی، واردات در مقابل صادرات و خدمات تأمین شده است. در این مدت برای کالاهای اساسی و دارو ۱۰ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار، برای کالاهای تجاری مبلغ ۳۸ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار، برای خدمات یک میلیارد و ۲۸ میلیون دلار تأمین ارز صورت گرفته است.

۲

میلیون تومان

حباب سکه

دلار آزاد دیروز توسط دلالان مقابل صرافی‌ها ۷۴ هزار و ۸۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد. قیمت دلار در کانال‌های تلگرامی نیز ۷۵ هزار و ۳۵۰ تومان نرخ‌گذاری شد. سکه طرح قدیم ۵۲ میلیون و ۶۷۰ هزار و طرح جدید نیز با رشد ۱.۵۴ درصدی ۵۴ میلیون و ۹۸۵ هزار معامله شد و حباب آن افزایش یافت. دیروز حباب سکه امامی به ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار و حباب سکه بهار آزادی به ۴ میلیون و ۹۶۵ هزار تومان رسید.

تسخیر سیاست‌گذار

دولت چگونه به تسخیر گروه‌های ذی نفع درآمد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

متخصصان اقتصادسیاسی، سال‌هاست درباره پدیده «تسخیر دولت» سخن می‌گویند اما اخیراً برخی مدیران و پروکرات‌های دولتی نیز درباره این پدیده ابراز نگرانی کرده‌اند. اخیراً رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس نیز با بیان اینکه با پدیده تسخیر دولت مواجه هستیم، گفت: «افراد در تصمیم‌گیری‌ها نفوذ دارند و به نوعی مسیر دولت را از اجرای مأموریت خود منحرف می‌کنند و به نفع خود تغییر می‌دهند».

بابک نگاهداری در بخش دیگری از سخنانش گفت: «امروز مدیرانی بر سر کار هستند که تخصص لازم برای اداره امور کشور ندارند. وجود پروکرات‌های سنتی در سازمان‌ها و نهادها یکی از موانع توجه به پژوهش است و در نتیجه آدم‌هایی بر سر کار آمده‌اند که بیشتر به درد کسب قدرت می‌خورند».

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید کرد: «یکی از موانع توجه به پژوهش، وجود پروکرات‌های سنتی در سازمان‌ها و نهادهاست که تجاری درست یا غلط کسب کرده‌اند و کمتر به فناوری‌های جدید توجه دارند. به همین دلیل امروز مدیرانی بر سر کار هستند که تخصص لازم برای اداره امور کشور ندارند و کم بهره در دانایی و دانش هستند و این وضعیت به اشکال نهادی در کشور برمی‌گردد».

وی گفت: «مانع دیگر برای استفاده از نتیجه پژوهش، تعارض منافع است که در آن فساد هم وجود دارد و دست‌های مختلف در کار هستند مانند موضوع واردات خودرو در حالی که مسئولان متعددی بر آن اصرار دارند اما واردات خودرو در نهایت به سرانجام نمی‌رسد».

وی افزود: «در برخی از سازمان‌ها، مدیریت‌ها مبتنی بر آزمون و خطاست. این یکی از موانع است که باید سازوکار لازم برای تربیت افرادی فراهم شود که مهارت اداره قدرت را داشته باشند».

بخشی از اظهارنظرهای رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس مربوط به گرفتاری‌های نظام اداری است اما بخش مهم‌تر آن به پدیده تسخیر دولت مربوط می‌شود که در سال‌های گذشته یکی از دلایل اصلی شکست دولت‌ها در اصلاحات اقتصادی همچنین انحراف دولت‌ها از مأموریت‌های اصلی به حساب می‌آید.

اقتصاددانان به پدیده دستکاری منابع عمومی از سوی یک گروه کوچک و قدرتمند به نفع خود و به ضرر جامعه، «تسخیر دولت» می‌گویند که به عنوان بدترین شکل فساد در نظر گرفته می‌شود. در تعریفی دقیق‌تر، در اینجا، نخبگان به افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که سطوح بالایی از قدرت سیاسی، ثروت یا نفوذ بر تصمیم‌گیری‌های سیاستی یا اجرای آنها را در اختیار دارند. بنابراین نخبگان در اینجا، هم به نخبگان سیاسی و هم به نخبگان اقتصادی اشاره دارد. گرچه به‌طور معمول، نخبگان سیاسی در دولت‌ها اقتدار و قدرت داشته بنابراین از موقعیت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها برخوردار هستند اما نفوذ آنها همچنین می‌تواند حوزه‌های انتخابیه بزرگ یا شبکه‌های گسترده حامیان به عنوان زیربنای قدرت را شامل شود. در نقطه مقابل نخبگان سیاسی، نخبگان اقتصادی از طریق ثروت بالای ناشی از کنترل صنایع و شرکت‌های بزرگ یا منابع طبیعی در موقعیت‌های اثرگذاری بر سیاست‌ها قرار دارند. گرچه نخبگان سیاسی و اقتصادی اغلب با هم همپوشانی داشته یا با یکدیگر پیوند می‌خورند اما منافع آنها می‌تواند از یکدیگر متمایز باشد. به هر حال انتظار می‌رود، نخبگان

سیاسی در استفاده از اختیارات و قدرت خود برای جلوگیری از تغییرات سیاستی یا نهادی که ممکن است کنترل آنها بر منابع را تهدید کند، تردید نکنند. در این چارچوب تسخیر نخبگان، توصیف‌کننده نوعی از فساد است که به موجب آن افراد و گروه‌های دارای نفوذ در بالاترین سطوح هرم قدرت از مقام‌های دولتی، منفعت خصوصی (سیاسی یا مالی) کسب می‌کنند.

همچنین تسخیر دولت توسط شرکت‌ها برای نفوذ در تصمیم‌گیری‌های مختلف موضوعی است که بسیاری از کشورهای در حال گذار را درگیر خود کرده است و جوئل هلمن جوزن و دانیل کافمن در پی تحقیقی این پدیده را در اقتصاد و پیامدهای اجتماعی بررسی کرده‌اند. تعریف دوباره از روشی که دولت از طریق آن با شرکت‌ها تعامل داشته باشد، چالش اصلی در دوره گذار بوده است. در هر حال به آن سوی مساله رابطه دولت با شرکت‌ها؛ یعنی روش اعمال نفوذ شرکت‌ها بر دولت توجه کمی مبذول شده است. تنها طی یک دهه، ترس از هیولای دولت، جای خود را به ترس از ایجاد اولگاریشی‌هایی با قدرت تسخیر کردن دولت و شکل‌دهی خط‌مشی و محیط مقررات و قانونی به نفع آنها داده که این شرکت‌ها را قادر می‌کند، رانت‌های زیادی برای خود همراه با ایجاد هزینه برای اقتصاد به وجود آورند.

همچنین در اقتصاد ایران با پدیده کورپوراتیسم مواجه‌ایم. تحریم بهانه‌ای شده که بسیاری از اتحادیه‌ها و اصناف تولیدی به بهانه حمایت از تولید داخل به دنبال بستن مرزها و ممنوعیت واردات باشند. مثلاً چند سال پیش انجمن صنفی تولیدکنندگان لوازم خانگی درخواست کرد که واردات این کالاها حداقل پنج سال ممنوع شود. طبیعی است که ما از این صراحت در انحصارجویی و منفعت‌طلبی تعجب کنیم اما از آن طرف هم طبیعی است که این سندیکاها و اتحادیه‌ها تلاش کنند بر تصمیمات دولت به نفع منافع اعضای خود اثر بگذارند چون آنها اساساً برای این کار ایجاد شده‌اند و اگر غیر از این عمل کنند عجیب است. در علم سیاست این‌گونه موسسات را لابی یا گروه فشار می‌نامند. گروه‌های فشار و لابی‌ها در همه جای دنیا فعال هستند و عملکرد آنها بخشی از سازوکار سیاست‌گذاری مدرن است. آنها به عنوان نمایندگان گروه‌های ذی‌نفع تلاش می‌کنند بر فرآیندهای سیاست‌گذاری اثر بگذارند و با نفوذ در سازوکار دولت، آن را به نفع مطالبات خود هدایت کنند. البته گروه فشار با لابی کمی فرق دارد. گروه‌های فشار عمدتاً ماهیت مدنی و اجتماعی دارند و کمتر به صورت ساختاریافته کار می‌کنند و ابزار آنها هم فشار رسانه‌ای و تظاهرات خیابانی و حرکات نمادین و پرسر و صداست. مثلاً فعالان محیط‌زیست، کنگران حقوق زنان، کوشندگان حامی اقلیت‌های اجتماعی یا حامیان برابری نژادی عمدتاً به صورت گروه فشار عمل می‌کنند. البته گروه‌های فشار ممکن است خیلی هم نیات‌شان با خیر عمومی هم‌راستا نباشد. مثلاً گروه‌های فشار ضد‌مهاجرت یا گروه‌های فشار سیاسی و ایدئولوژیک در همه جای دنیا فعال هستند و تلاش می‌کنند بر سیاست‌های کلی دولت‌ها اثر بگذارند.

به طور مشخص این روزها بازار چانه‌زنی صنوف و اتحادیه‌ها با دولت جدید داغ است. هر تشکل و گروهی سعی می‌کند از شرایط سختی که بر اقتصاد و جامعه حاکم شده، استفاده کند و در چانه‌زنی با دولت دست بالاتری داشته باشد. هر روز اخباری از این دست منتشر می‌شود. مثلاً اینکه تولیدکننده داخلی خواهان ممنوعیت واردات یا وضع

تعرفه بالااست؛ فعال بورسی خواهان کاهش نرخ سود است؛ برخی خواهان بقای ارز ترجیحی هستند، قاچاقچی سوخت خواهان بنزین ارزان است و تولیدکننده رمازخ خواهان برق ارزان. ظاهراً صحبت از حمایت از تولید ملی یا پایین نگه داشتن سطح قیمت‌هاست ولی آنچه رخ می‌دهد حداکثر شدن منافع برخی گروه‌هاست. گروه‌هایی که در قدرت نفوذ داشته و همچنان در حفظ دولت به عنوان صحنه‌گردان اقتصاد نقش آفرینی می‌کنند. اکنون اقتصاددانان ایرانی بیش از گذشته، نگران شکل‌گیری نوع جدیدی از انحصار هستند که در ادبیات سیاسی به آن کورپوراتیسم (Corporatism) می‌گویند. کورپوراتیسم به گروه‌های نفوذ و تشکل‌های سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که قدرت چانه‌زنی بالایی در برابر سیاست‌گذاران دارند. این گروه‌ها به ظاهر در تعیین خط‌مشی عمومی جامعه نقش ایفا می‌کنند اما در حقیقت برای منافع خود از دولت امتیاز می‌گیرند. مدافعان مناسبات کورپوراتیستی به دنبال نشانند اصناف یا تشکل‌های اقتصادی به جای دولت هستند با این توجیه که می‌توان با نشانند اصناف و تشکل‌ها به جای دولت، دست دولت را از اقتصاد کوتاه کرد. اما بسیاری از کارشناسان اقتصادی چنین وضعیتی را برای اقتصاد کشور خطرناک ارزیابی کرده و معتقدند مثلاً اگر قیمت‌گذاری و مقررات‌گذاری به دست تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و اصناف بیفتد، سیستمی به مراتب ناکارآمدتر و فاسدتر از مدیریت اقتصاد دولتی رقم خواهد خورد. در بسیاری از کشورهای دارای اقتصاد آزاد معمولاً ائتلاف‌های میان تولیدکنندگان، غیرقانونی تلقی شده و با ابزارهایی بسترهای مبارزه با آن فراهم می‌شود. به عبارتی اگر تشکل‌ها یا اصناف شکل گرفته‌اند، کارکرد آنها پیگیری امور صنفی است، نه مقررات‌گذاری و قیمت‌گذاری. با این حال به نظر نمی‌رسد در ایران هنوز حساسیت‌چندانی در این زمینه شکل گرفته باشد. اصناف و تشکل‌ها به وضوح اعمال نفوذ می‌کنند و با ممانعت ویژه‌ای روبه‌رو نمی‌شود. برخی اقتصاددانان معتقدند همین چانه‌زنی برخی اصناف برای تعیین مالیات برای اعضای صنف که به رویه مرسوم تبدیل شده خود نمونه‌ای از مناسبات کورپوراتیستی است که به کارآمدی مالیات‌ستانی دولت و رعایت عدالت مالیاتی لطمه زده است. البته کورپوراتیسم در کوتاه‌مدت ممکن است به نفع گروه‌هایی از بخش خصوصی باشد به همین دلیل ممکن است مدافعانی از این گروه هم داشته باشد اما به هر حال مناسبات کورپوراتیستی با آزادی فعالیت‌های بخش خصوصی، آزادی اقتصاد و اقتصاد رقابتی مغایرت دارد.

در مجموع در عمل، آنچه ذیل عنوان تسخیر دولت توسط گروه‌های ذی‌نفع در جهان سوم ظهور کرده، برتری قدرت سیاسی/یا اقتصادی بر دستگاه سیاسی و دستگاه دولتی است. در تسخیر دولت، نخبگان اقتصادی/سیاسی از دستگاه سیاسی برای تقویت شخصی‌سازی قدرت سیاسی استفاده کرده و دستگاه دولتی را برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود بسیج می‌کنند. این بدان معنی است که روند تسخیر دولت اغلب به ایجاد طبقه‌ای از پروکرات‌های شریک ذی‌نفعان و مفسدان منتهی می‌شود که به دلیل وابستگی موقعیت‌شان به دسترسی به قدرت سیاسی در جهت حفظ نظم سیاسی حاکم عمل می‌کنند. به بیان دیگر، تسخیر دولت طی زمان با شکل‌گیری و تثبیت یک الگوی نهادی و اداری خاص همراه است، الگویی که به طور کامل منعکس‌کننده سوگیری به نفع نخبگان است و به دلیل هماهنگی بالا در سطح سیستمی در برابر هر تغییری به‌شدت مقاومت می‌کند.

متهم یا مدعی؟

مصاحبه علی شمخانی، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی یک بار دیگر نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. او در این گفت‌وگو که سایت نورنیوز، پایگاهی خبری که افراد نزدیک به او تاسیس کرده‌اند، درباره خیلی از مسائل صحبت کرد و از قطعی اینترنت در آبان ۹۸ دفاع کرد.

اختلاف با روحانی

به اختلافات قدیمی خودش با حسن روحانی پرداخت و تلاش کرد در این مصاحبه پاسخی به روحانی نیز بدهد. آنجا که روحانی گفته بود: «پیشنهاد اولیه من آقای ناطق‌نوری بود و پس از امتناع ایشان آقای محمد فروزنده هم این مقام را قبول نکردند. در نهایت آقای علی شمخانی را پیشنهاد کردم که البته ابتدا رهبری قبول نمی‌کردند اما با اصرار من - که فکر می‌کنم نادرست بود - در نهایت پذیرفتند؛ هرچند که پشتیبان هم شدم اما دیگر راه بازگشت مناسبی وجود نداشت. اگر افرادی مانند آقای ناطق‌نوری و محمد فروزنده پیشنهاد مرا قبول می‌کردند شاید من هم پرورنده را به وزارت امور خارجه منتقل نمی‌کردم. در نهایت

رهبری با شرط اینکه من خودم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی مسئول پرونده هسته‌ای باشم، انتقال پرونده به وزارت خارجه را قبول کردند و این به نظرم کار مهم و موفقیت بزرگی بود چنانکه در دولت سیزدهم هم جای پرونده تغییر نکرد و در وزارت خارجه باقی ماند. آقای شمخانی هم فکر نمی‌کرد، من ایشان را معرفی کنم چون دامادشان در جریان انتخابات علیه شخص من فعال بود اما می‌گفتند، دامادش را قبول ندارد و با او رابطه ندارد!»

حسن روحانی تصمیم داشت به انتخاب شمخانی برای دبیری شورای عالی امنیت ملی، بخشی از نیروهای سپاه را - به ویژه کادر قدیمی سپاه - به همکاری فراخواند و از دفاعه میان دولت و سپاه پرهیز کرده باشد. اما نهایتاً با شمخانی به مشکل برخورد و دیگر نتوانست او را برکنار کند. محمود واعظی، رئیس دفتر روحانی نیز در تکمیل این گزاره خبر داده بود: «اواخر دولت دوازدهم، خط دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در دوره شمخانی، عدم احیای برجام بود. اگر دبیرخانه همسو بود همان زمان احیا می‌شد.»

در واقع عدم احیای برجام در روزهای پایانی دولت روحانی از زاویه این نگاه دو نفر بودند. اول محمداقبر قالیباف که با قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» مانع از احیای برجام شد که روحانی این قانون را «بدترین قانون در تاریخ جمهوری اسلامی ایران» دانست و تاکید کرد که «اما از این قانون بدتر نداشتیم» و دوم علی شمخانی که ۶ بار تصمیم گرفت او را برکنار کند و موفق نشد. با این حال روحانی استاد شگردها بود. او اگرچه نتوانست شمخانی را برکنار کند اما بنا بر برخی خبرها در دور دوم ریاست جمهوری خود، نه حکم جدیدی برای شمخانی زد و نه حکم دبیری او را تمدید کرد.

رقیای رؤسای جمهور

حالا شمخانی در فرصتی که یافته، با آرامشی خاص، از مخالفت خود با روحانی سخن می‌گوید. می‌گوید، وقتی ترامپ از برجام خارج شد، روحانی هیچ تصمیمی برای واکنش به خروج آمریکا از برجام نداشت. در عوض تصمیم گرفت که به تلافی، موانع مسیر ترازیت مواد مخدر را از افغانستان به اروپا بردارد. شمخانی می‌گوید: «این راهش نبود» و در ادامه سخنان خود تاکید می‌کند: «اما قانون راهبردی را طراحی کردیم که تنها راه مقابله بود.»

شمخانی البته چند نکته جالب دیگر در این گفت‌وگو دانشجویی گفته است. از جمله اینکه «من نه به احمدی‌نژاد رای دادم، نه به رئیس‌ی، نه به روحانی رای دادم، هیچ وقت. اما به پزشک‌های رای دادم. به هیچ کدام از آن رؤسای جمهور رای ندادم.

رقیب‌شان مناسب‌تر بود». در واقع آقای شمخانی، سیدمحمد خاتمی را هم از قلم انداخته است. چون در انتخابات سال ۸۰ نیز به او رای نداد. خود کاندیدا بود و بسیار بعید است، سال ۷۶ هم به خاتمی رای داده باشد. در عین حال رقیب اصلی احمدی‌نژاد در سال ۸۴ هاشمی‌رفسنجانی بود، رقیب احمدی‌نژاد در سال ۸۸ میرحسین موسوی بود که نتیجه انتخابات را به همراه مهدی کروی پذیرفتند و رقیب روحانی در سال ۹۲ محمدباقر قالیباف



و سعید جلیلی بودند و در سال ۹۶ نیز رقیب روحانی، ابراهیم رئیسی بود که شمخانی از یکسوی می‌گوید به او رای نداده است و از سوی دیگر می‌گوید، رقیب روحانی از خود او بهتر بود! در انتخابات سال ۱۴۰۰ نیز می‌گوید به رئیس رای نداده است، پس به چه کسی رای داده؟ عبدالناصر همتی یا محسن رضایی؟ دور از ذهن است.

قدرت رو به افول

اگرچه روحانی با ۶ بار تلاش نتوانست علی شمخانی را برکنار کند و قدرت او بسیار افزایش یافت اما با آمدن سیدابراهیم رئیسی، او رقیبی قدرتمندتر از خود یافت: سردار احمد شاه‌جراغی، معروف به (احمد وحیدی)، سیاستمداری نظامی که یکی از مهم‌ترین کارهایی که در دوره حضورش در وزارت کشور دولت سیدابراهیم رئیسی انجام داد، افزایش قدرت بی‌اندازه شک (شورای امنیت کشور) در مقابل شحام (شورای عالی امنیت ملی) بود. تا جایی که در بحران بزرگی مانند بحران مهسا و جنبش زن، زندگی، آزادی در سال ۱۴۰۱ شمخانی مسلوب‌الاختیار شده بود و میدان و خیابان در دست آقای وحیدی بود. نهایت کاری که شمخانی در این مدت انجام داد این بود که روابط خود را با گروه‌های سیاسی به خصوص گروه‌های اصلاح‌طلب بازسازی کند، از آنها دعوت کند به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بروند و نهایتاً از این افراد مشورت بگیرد که در قبال اتفاقات کف خیابان و جنبش زن، زندگی، آزادی چه باید کرد و چه تدبیری داشت؟ در آن روزها به همان میزان که احمد وحیدی در خیابان نقش‌آفرین بود، شمخانی نقش چندانی نداشت. شاک جای شحام را گرفته بود و بیانیه‌های شورای امنیت کشور به روزنامه‌نگاران یادآوری می‌کرد که فرمان در دست چه کسی است. مسلوب‌الاختیاری علی شمخانی تا آنجا پیش رفت که برخی از چهره‌های سیاسی رسماً از جایگزینی وحیدی به جای شمخانی در شورای عالی امنیت ملی خبر دادند. این خبرها البته به واقعیت منجر نشد. زیرا بعید بود وحیدی وزارتخانه برقدری چون کشور را رها کند و به ستادی چون دبیری شورای عالی امنیت ملی برود. با این حال بعد از فروکش کردن اتفاقات سال ۱۴۰۱ شمخانی نیز در لیست افرادی قرار گرفت که برکنار شد و سردار احمدیان، جایگزین وی شد.

داستان فرزندان

البته شمخانی توأمان زیر فشار اخبار مختلفی که درباره فرزندان منتشر می‌شد، قرار شد. او نیز مانند برخی دیگر از سیاستمداران بقیه‌سفید از این داستان مصون نبود و نهایتاً نیز در

دولت رئیسی که او به آن رای نداده بود و رویکردی عدالت‌خواهانه داشت، خبرهای غیررسمی از کانال‌های مختلف درباره فرزندان شمخانی و حتی ثروت خود او منتشر می‌شد. در این گفت‌وگو نیز انتظار می‌رفت که شمخانی یک بار برای همیشه به این موضوع بپردازد. یا حداقل آن چهار نفر دانشجوی گزینش شده، این سوال را می‌پرسیدند و شمخانی درخصوص این موضوع صحبت می‌کرد اما شمخانی به جای پرداختن به این موضوعات به فیلترینگ پرداخت که مشکل مردم فیلترینگ و حجاب نیست و بعد دوباره پای روحانی را وسط کشید و درباره قطعی اینترنت گفت: «قطع اینترنت را آقای روحانی در اختیار وزیر کشورش گذاشت. البته منم مخالف قطع اینترنت در آن شرایط نبودم. در سال ۹۸ این اتفاق افتاد و محدود بود» و در ادامه در پاسخ به این سوال که آیا قطع کردن اینترنت، کارایی داشت؟ گفت: «بله، توسط بعضی از جریانات یک سازمان‌دهی صورت می‌گرفت. اینها گرگ خفته هستند. یعنی ماموریت دارند تا بلا و آشوب به منظور تضعیف همه‌نظام و براندازی به راه بیندازند. این گروه‌ها راه‌های ارتباطی‌شان را در فضای مجازی، جست‌وجو می‌کردند و این سریع‌ترین و کم‌خطرترین راه ارتباطی بود که باید کند می‌شد. بعد تبدیل شد به اینکه بعضی از سکوها فیلتر شوند. قطع اینترنت با فیلترینگ متفاوت است. آنجا نظرات متفاوت بود. من مایل بودم که بعضی از سکوها را باز نگه داریم. البته منظور من اینستاگرام نیست چون همه مسوولان متفق القول هستند که این سکو محل منه‌م‌سازی خانواده است».

پایان؟

اما آنچه محل پرسش است این است که علی شمخانی با آنکه هیچ یک از رؤسای جمهور پیشین را قبول نداشت و به آنها رای نداده بود، چگونه نتوانست در برخی مناصب حاضر شود و با برخی از آنها کار کند؟ او وزیر دفاع سیدمحمد خاتمی بود و در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی و ابراهیم رئیسی نیز دبیر شورای عالی امنیت ملی بود.

علی شمخانی بیش از هر کس، خود را متهم کرده است. زیرا رفتارش با تعریف یک سیاستمدار دارای دیسیپلین متفاوت است. او اگر روحانی را قبول نداشت باید از سمت خود کنار می‌رفت و مانع موفقیت فردی که ۲۴ میلیون رای مردم را داشت، نمی‌شد. اما متأسفانه این بلائی سیاست و مدیریت در ایران است که افراد برسند ماندگاری خود را در اولویت قرار می‌دهند، ولو آنکه به پرنسپ سیاسی آنها آسیب برساند و حرف‌هایشان نشان بدهد که چگونه راه‌های ترقی و توسعه با جدال سیاسی مسدود کرده‌اند.

آقای شمخانی متهم می‌کند اما پیش‌تر از آنکه دیگران در مظان اتهام قرار بگیرند، خود او است که در این جایگاه قرار می‌گیرد و این می‌تواند پایان تلخی برای او باشد. کم نبودند سیاستمدارانی که فرازوفروید عجیب‌هایی داشتند اما برای همیشه از خاطرها رفتند.

به هر حال، بازگشت دوباره شمخانی به سرخط خبرها که با انتقاد از رؤسای جمهور و تاکید بر نقش‌آفرینی وی در پرونده هسته‌ای و وسعت انتشار بسیاری داشت، شاید تک‌تالی باشد برای آنکه شمخانی بخواهد همچنان خود را عنصر موثری در سیاست ایران معرفی کند. شمخانی به واسطه نفوذی که در میان اعراب جنوب کشور و اقوام آن منطقه داشت به چهره موثری تبدیل شد اما بعید به نظر می‌رسد که تا مدتی بعد و شاید مدتی طولانی دوباره به کار گرفته شود و نقش‌آفرینی موثری در پرونده‌ها و نهادها داشته باشد. مگر آنکه ورق دوباره به سود او بازگردد اما تا آن زمان بعید است از سوی دولت پزشک‌های، کسی با او تماس بگیرد و وی را به کار دعوت کند.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

کاسه رسوب

سد بخش‌آباد؛ تحمیل وضعیت آخرالزمانی بر حوزه تمدنی سیستان



فرشید ابیدی
روزنامه‌نگار

حوضه آبریز هیرمند شامل سرشاخه‌های هیرمند، فرارود، هاروت‌رود، خوشسپاس و خاش‌رود، تمدن شهرسوخته را رقم زده و موجب استمرار حیات انسانی و تمدنی تا به امروز شده است. میزان آورد رودخانه هیرمند، تغییر طبیعی مسیر رودخانه حاصل از سیلاب و... موجب شده که در بازه‌های زمانی مختلف شاهد جابه‌جایی جمعیت حول محور رودخانه هیرمند و دریاچه هامون باشیم اما رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان در دوره جمهوریت و حتی در دوره طالبان، علاوه بر توسعه مبتنی بر کشاورزی، مهندسی اجتماعی یا به روایتی گسترش و پراکنش پشتون‌ها را دنبال می‌کنند و این امر باعث شده که مسیر طبیعی رود هیرمند را برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی به سمت شورزادر گودزیره تغییر دهند تا حوزه تمدنی سیستان زیر تلی از ماسه مدفون شود.

دشت سیستان با توجه به شرایط جغرافیایی به عنوان کاسه رسوب معروف است و با توجه به وجود بادهای ۱۲۰ روزه تابستان منطقه‌ که به علت تغییر اقلیم، تعداد روزهای وزش باد به حدود ۱۸۰ روز افزایش یافته، ضرورت آبگیری تالاب بین‌المللی هامون و اراضی کشاورزی دشت سیستان را برای جلوگیری از گسترش فرسایش بادی دو چندان کرده است. سد بخش‌آباد با ارتفاع ۸۱ متر با ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی با سرمایه‌گذاری ترکیه و مشارکت پیمانکاران این کشور در ولسوالی بالا بلوک ولایت فراه با ظرفیت یک میلیارد و ۲۶۰ میلیون مترمکعب آب درحال تکمیل است و پیش‌بینی می‌شود، قریب به یک سال آینده آبگیری و به بهره‌برداری برسد. رودخانه فراه در بهترین حالت بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون مترمکعب آورده داشته که در سنوات گذشته به حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب تنزل یافته است. آورد رودخانه مذکور حدود

۲۰۰ هزار هکتار از اراضی تالاب هامون ساووری را مرطوب‌سازی می‌کند و نقش بسیار مهمی در جلوگیری از افزایش مساحت خشکسادهای گروغبار و تثبیت کانون‌های بحرانی دارد. تکمیل این سد با توجه به این ظرفیت ذخیره، بیک سیلاب رودخانه فراه در دوره ترسالی را مهار می‌کند، این مساله باعث می‌شود که در سال نزمال آبی و خشکسالی هیچ آبی وارد تالاب هامون ساووری بخش ایران نشود. وجود بند انحرافی کمال‌خسان بر رودخانه هیرمند، سیلاب‌های چند میلیارد مترمکعبی این رود را به سمت گودزیره منحرف می‌کند و در صورت تکمیل سد بخش‌آباد روی سرشاخه مهم فرارود، ورود آب به تالاب بین‌المللی هامون و دشت سیستان به کلی قطع می‌شود؛ تمام بستر تالاب و دشت سیستان را به محل برداشت گروغبار تبدیل می‌کند و یک وضعیت آخرالزمانی را بر منطقه تحمیل خواهد کرد. با توجه به سمت وزش باد غالب منطقه (شمال غربی به جنوب شرقی) گروغبار تالاب هامون ساووری از جنوب ولایت فراه افغانستان آغاز و پس از در

نوردیدن منطقه سیستان مجدد وارد جغرافیای سیاسی افغانستان شده و شرایط اسفناکی را به ولایت‌های نمروز، زابل، هلمند و قندهار تحمیل می‌کند، سپس وارد جغرافیای پاکستان شده و کیفیت زیست ایالت بلوچستان پاکستان تا بندر گواتر را به شدت کاهش می‌دهد. از طرفی در خاک ایران نیز توده‌های گروغبار تالاب هامون ساووری با غبار تالاب هامون هیرمند تلفیق شده و پس از گذر از آب‌کننده‌های شیبه، ابر غلیظ گروغبار را تشکیل خواهد داد و مناطق جنوبی‌تر از جمله زاهدان، میرجاوه و حتی بخش‌های جنوبی منطقه سرحد را تحت تاثیر قرار خواهد داد؛ بدین‌ترتیب افزون بر نیمی از سیستان و بلوچستان ملو از گروغبار می‌شود و باید قید توسعه، نگه داشت جمعیت و سرمایه انسانی متخصص را بزنیم. توده‌های گروغبار تالاب بین‌المللی هامون درحال حاضر باعث شده که حدود ۶ میلیون هکتار تپه ماسه‌ای در جغرافیای سیاسی افغانستان ایجاد شود. سدسازی‌های افغانستان در کوتا‌مدت روی اقتصاد ساکنان آن مناطق تاثیر مثبتی خواهد گذاشت اما اهالی این مناطق پس از گذشت حدود سه سال مالیات این سیاست‌های آبی - اقتصادی را به بدترین

نحو به طبیعت خواهند پرداخت. دستگاه دیپلماسی ایران به‌رغم در اختیار داشتن ابزارهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و امنیتی به دلیل عدم تعریف استراتژی افغانستان در قبال مساله آب یا به دلیل تعریف نادرست آن، همواره در مناقشه آبی با افغانستان مغلوب بوده است. مادامی که امنیت آبی، غذایی و زیستی شرق کشور به خاطر سیاست‌های آبی افغانستان بر روی هیرمند، هریرود و احداث کانال قوش‌تپه روی آمودریا به مخاطره افتاده و تابوی تضییع منافع ملی توسط کشوری در قاره افغانستان با حاکمیت گروهی مثل طالبان شکسته شده، بدیهی‌ترین اقدام برای بازگرداندن عزت و اقتدار کشور، بهره بردن از تمامی ابزارهای موجود برای احقاق حق است.

فرصت بهره‌مندی از ۱۰ گیگابایت اینترنت هدیه برای مشترکان غیرفعال همراه اول

می‌شود و فرصتی یک هفته‌ای در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا با فعال‌سازی سیم‌کارت خود از اینترنت هدیه بهره‌مند شوند.



مشترکان غیرفعال همراه اول با فعال‌سازی سیم‌کارت خود طی یک هفته، می‌توانند ۱۰ گیگابایت اینترنت هدیه دریافت کنند. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، همراه اول به منظور استفاده بهینه از منابع محدود شماره و تک‌ریتم مشتریانی که سیم‌کارت‌هایشان بیش از ۶۰ روز غیرفعال بوده است، طرح ویژه‌ای با ارائه ۱۰ گیگابایت اینترنت هدیه راه‌اندازی کرده است. براساس این طرح، پیامکی از سوی همراه اول به مشترکان مشمول ارسال

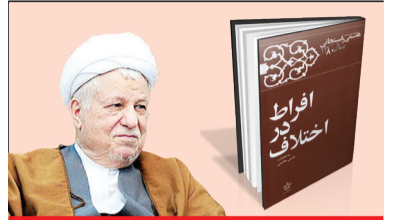
این مشترکان پس از دریافت پیامک، می‌توانند با شماره‌گیری کد «ستاره ۱۰ ستاره ۳۳۲۰ مربع» هدیه اینترنت خود را دریافت کنند. لازم به ذکر است مطابق مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، سیم‌کارت‌هایی که بیش از سه ماه غیرفعال بمانند، ممکن است در چرخه سلب امتیاز و آگذاری مجدد قرار گیرند. از این رو، همراه اول از تمامی مشترکان خود می‌خواهد که با فعال‌سازی سیم‌کارت‌های غیرفعال از مزایای این طرح بهره‌مند شوند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌پار، امیراقتناعی

مدیرهی: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • شانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان، ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز، ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۱۶۰

ادامه پنج‌شنبه ۱۹ مهر

ناپدید شدن هواپیمای آمریکایی در مدیترانه

دیروز اخباری پخش شد که در پاکستان، دو پایگاه هوایی و بندری در جنوب به آنها داده شده و امروز تأیید نشد و صحبت از ورود نیروهای زمینی آمریکا و انگلیس است. جبهه شمال هم اعلام کرده، شهر چلچراغ، مرکز استان غور را از طالبان گرفته است.

آمریکا، اسامی ۲۲ نفر را به عنوان تروریست‌های خطرناک اعلام کرده؛ یکی از مدیران سیا گفته است که ۷ نفر از آنها در ایران‌اند و یک نفر در عراق و بقیه در افغانستان. ایران تکذیب کرده است. سه نفر از آنها از مجاهدان لبنان‌اند و اکثر آنها از اهالی عربستان سعودی. دولت عربستان به ایران اطلاع داده که جمع زیادی از اهالی سعودی به ایران آمده‌اند که از این راه برای کمک به طالبان به افغانستان بروند. اطلاعاتی هست که هزاران نفر از طرفداران [اسامه] بن‌لادن، [رهبر القاعده] از کشورهای مختلف از جمله اروپا، خود را برای جنگیدن به افغانستان رسانده‌اند.

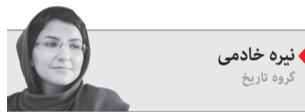
آمریکا قبلاً اسام ۲۷ گروه را به عنوان تروریست اعلام کرده بود و سازمان ملل هم اعلام کرده که کشورها باید حساب‌های آنها را مسدود کنند و با آنها برخورد نمایند. در آلمان، دولت یک تلو‌زیون خصوصی که گفته است، بوش مثل استالین است را تعطیل کرده و آمریکا از تلو‌زیون الجزیره که اخبار گروه بن‌لادن را پخش کرده، نزد امیر قطر شکایت برده که نمونه‌هایی از عدم صداقت در ادعای آزادی بیان و نشر اخبار است. یکی از هواپیمای‌های کارگزار آمریکایی در مدیترانه ناپدید شده و یک هواپیمای مسافری در حال ریزه شدن در آمریکا، با اسکورت جت‌های جنگنده، فرود اضطراری کرده است. ربایندگی می‌خواسته آن را به برچی [در شیکاگو] بزند. یک نفر کانادایی - کارمند پایگاه کویتی در تصرف آمریکا در کویت - ترور شده و مرده و متقابلاً یک خانم مهندس کویتی در آمریکا مفقود شده است.

آمریکا اعلام کرده که تروریست‌های القاعده، در مالزی، فیلیپین و اندونزی هم پایگاه دارند و اگر تحویل داده نشوند به آنها ضربه خواهند زد. لشکر طیبه کشمیر را هم برای جلب رضایت هند، تروریست معرفی کرده است. تظاهرات در اروپا، آفریقا و کشورهای اسلامی اوج می‌گیرد و وجدان جهان سوم و مسلمانان از اینکه سلاح‌های پیشرفته علیه کشوری بی‌دفاع به کار گرفته می‌شود، جریحه‌دارتر شده و به نظر می‌رسد، فشار افکار عمومی علیه آمریکا و انگلیس روزافزون شود.

[تونی بلر]، نخست‌وزیر انگلیس برای هماهنگی و جلب همکاری کشورهای منطقه بار دیگر به منطقه [خاورمیانه] آمده است. بنا بود از عمان به عربستان برود که گفته شد، عربستان سفر او را لغو کرد و به قاهره رفت. اسرائیل ابراز ناراحتی می‌کند از اینکه آمریکا در فکر است با حمایت از دولت مستقل فلسطین، توجه و حمایت اعراب را جلب کند و می‌گوید، آمریکا به بهای تضعیف اسرائیل در فکر جلب رضایت اعراب است. مجلس ترکیه تصویب کرد که ترکیه به آمریکا در جنگ کمک کند و امروز عملیات آمریکا از پایگاه اینچیرلیک هم انجام شد. ترکیه، قانون اساسی‌اش را اصلاح کرد و مجازات مرگ [= اعدام] را محدود نمود.

خیزش و ریزش

درباره فراز و فرود جنبش‌های کشورهای عربی



نیروه خادمی
گروه تاریخ

پرونده‌هایش در سال ۲۰۱۴ مخومه اعلام شد و در نهایت نیز سال ۲۰۲۰ از دنیا رفت. گلوله برفی به راه افتاده بود و مردم یمن هم از ۲۰ ژانویه ۲۰۱۱ علیه دولت علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری وقت در خیابان‌ها بودند. ژوئن ۲۰۱۱ صالح مورد سوء قصد قرار گرفت و سپس از انتقال او به بیمارستانی نظامی در عربستان، توافق انتقال قدرت تدوین شد اما کار آن هم بالا گرفت به طوری که یمن تا سال ۲۰۲۲ و میانجیگری سازمان ملل برای آتش‌بس هم درگیر جنگ و خونریزی بود. رئیس‌جمهوری سابق یمن هم البته از این غائله جان سالم به در نبرد. سال ۲۰۱۷ خوددروی حامل او هدف حمله قرار گرفت و کشته شد. تظاهرات در لیبی از فوریه ۲۰۱۱ ابتدا در بنغازی سپس مصراته علیه حکومت ۴۲ ساله معمر قذافی آغاز شد. یک ماه بعد اعتراضات به جنگی مسلحانه در خیابان‌های تبدیل شد تا جایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد این کشور را منطقه پرواز ممنوع اعلام کرد و ناتو نیز برای جلوگیری از پیشروی نیروهای قذافی به شهر بنغازی، حملات هوایی خود را آغاز کرد. ۶ ماه گذشت تا معترضان بر طرابلس مسلط شوند و دو ماه بعد هم معمر قذافی در حوالی شهر سرت دستگیر و به دست مردم کشته شد. مردم هم با الهام از بهار عربی در این کشورها نسبت به نظام پادشاهی در این کشور معترض شدند اما طولی نکشید که پای نیروهای نظامی به اعتراضات مردم کشیده شد. درگیری‌ها بالا گرفت و حتی در ساعت‌هایی حکومت نظامی اعلام شد اما در نهایت اعتراضات سرکوب شد.

جرقه در تونس

ماجرا از یک دستفروش ۲۶ ساله تونسی آغاز شد، ماموران سد معبر شهرداری راه محمد بوغزیزی را بستند و در برابر اعتراض، اهانت و ضرب‌وشتم تبارش کردند. بوغزیزی ابتدا راه شکایت و قانون را پیش گرفت اما نتیجه نداشت بنابراین ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ جلوی ساختمان شهرداری خود را آتش زد. آتش خاموش شد اما محمد که سه هفته در بیمارستان تحت درمان بود از دنیا رفت. اعتراضات از شهر محمد بن‌عزیزی آغاز شد و در عرض چند روز به تظاهراتی مرگ‌بار در سرتاسر تونس تبدیل شد. در این میان حتی عبادت بن‌علی از محمد بوغزیزی در بیمارستان که قول تبیبه خاطیسان، اصلاحات و ایجاد هزاران فرصت شغلی مناسب برای جوانان را داده بود هم نتیجه نداشت و اعتراضات ادامه یافت. زین‌العابدین بن‌علی، رئیس‌جمهوری وقت تونس ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ از کشور فرار کرد و این اتفاق انگیزه‌ای شد برای طغیان در دیگر کشورها.

دومینوی خشم ادامه یافت

همزمان با این وقایع حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مصر که از ۱۹۸۱ روی کار بود مورد اعتراض مردم قرار گرفت. ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تظاهراتی گسترده علیه دولت او آغاز شد و سه روز بعد که صدها هزار معترض بعد از نماز جمعه اقدام به برگزاری تظاهرات کردند. ورود ارتش حسنی مبارک می‌میدان، کار را خراب‌تر کرد و حسنی مبارک درحالی که خشم مردم بیشتر شده بود از حکومت کنار رفت. او چند ماه بعد به جرم سوءاستفاده از قدرت و کشتار تظاهرکنندگان در دادگاه محاکمه شد، اگرچه

اتحادیه عرب هم تلاش کرد تا با فشار بر دولت سوریه، حملات متوقف شود اما مداخلات نتیجه نداد. در آن زمان با وجود اعتراض بسیاری از کشورهای همسایه از جمله عربستان سعودی و ترکیه و برخی کشورهای غربی، بشار اسد حاضر نشد از حکومت کناره‌گیری کند. درگیری‌های داخلی در سوریه در سال‌های بعد به سلسله درگیری‌های نظامی میان ترکیه و سوریه بدل شد تا دست‌کم به مناطق کردنشین این کشور دست پیدا کند.

برخی عواملی که سقوط را عقب انداخت

دولت اسد در بنبوجه اعتراضات از همه‌پرسی قانون اساسی سوریه و اصلاحات سخن گفت. این همه‌پرسی بدون حضور ناظران جهانی برگزار شد اما بساط دیکتاتوری برچیده نشد و با وجود آتش‌بس در سال ۲۰۱۲ اما باز مذاکرات صلح نتیجه نداد. در این شرایط سوریه با حمایت دو کشور ایران و روسیه توانست از بحران عبور کند؛ به عنوان مثال، زمانی که مجمع شرکت‌کنندگان اجلاس کشورهای اسلامی خواستار توقف فوری خشونت‌ها در سوریه و به تعلیق درآمدن عضویت این کشور در سازمان شدند، ایران با آن مخالفت کرد. نیروهای مستشاری جمهوری اسلامی ایران هم برای حمایت از حکومت دمشق و مقابله با نیروهای داعش وارد سوریه شدند که به تثبیت حکومت در سوریه انجامید. بنابراین تا پیش از این حتی تصرف جاهای نفتی سوریه نیز نتوانسته بود، اسد را سرنگون کند اما در نهایت ۱۰ روز پیش‌تر حکومت او هم سقوط کرد. سیدمحمدعلی تقوی، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد در مقاله‌ای تحت عنوان «ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب» به چرایی این موضوع پرداخته است که چرا برخی از این خیزش‌ها ناکام ماندند. او در پژوهش خود که آذر ۹۶ در ماهنامه دولت‌پژوهی دانشگاه علامه طباطبایی به چاپ رسیده، چنین نتیجه گرفته است:

«حکومت‌هایی که با مدیریت سیاسی خود نتوانستند، حمایت بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم (حتی فقط یک اقلیت قدرتمند) را جلب کرده و نیز وفاداری بدنه اصلی ارتش را نسبت به خود حفظ کنند از خطر سقوط رهایی یافتند. ممانعت حکام از شکل‌گیری اجماع جهانی علیه خود و بهره‌گیری از تاکتیک‌های مناسب در حوزه داخلی دو نکته مهم در این زمینه بوده است که دولت‌های عربی پس از خروج از شوک غافل‌گیری سقوط بن‌علی به تدریج از یکدیگر آموختند». در جریان «بهار عربی» چهار حکومت عربی که در ابتدای گزارش از آنها نام برده شد، سرنگون شدند؛ سه حکومت بحرین، اردن و تا حدی عربستان با مشکلات جدی روبه‌رو شدند و حکومت (سوریه) دستخوش جنگ داخلی شد، اگرچه در نهایت پرونده این حکومت توسط معارضین مسلح با محوریت گروه تحریر الشام بسته شد.

تقویم

روز حساب آیشمن

واکنش جنایتکار جنگی به شنیدن حکم اعدامش



آدولف آیشمن، مسئول اداره امور مربوط به امور یهودیان حکومت آلمان نازی روز جمعه ۱۵ دسامبر سال ۱۹۶۱ در دادگاه ویژه اسرائیل به اتهام قتل ۶ میلیون یهودی

محکوم به اعدام شد. او هنگام شنیدن حکم اعدام، بی حرکت به رای دادگاه گوش می‌داد، در برابر تقاضای فرجام هم سکوت کرد و دقایقی بعد هنگام خروج این را گفت که انتظار چنین مجازاتی را داشته است. فردای آن روز، روزنامه اطلاعات این خبر را به نقل از خبرگزاری یونایتدپرس از اورشلیم منتشر کرد و جزئیاتی از آن را نوشت که به موجب آن آیشمن باید «تا زمانی که روح از بدنش پرواز می‌کند، حلق آویز بماند». در این گزارش که اکنون خبر آنلاین بخش‌هایی از آن را منتشر کرده به لحظات قرائت رای و واکنش اندک آیشمن اشاره شده است: هنگام قرائت رای در جلسه دادگاه سکوت سنگینی سایه افکنده بود. جنایتکار ۵۵ ساله نازی که سال گذشته توسط مأموران سری اسرائیل در آرژانتین ریزه شد، بی حرکت به رای دادگاه گوش می‌داد. اوایل این هفته دادگاه اسرائیل، آیشمن را مقصر اعلام کرد و برای تعیین مجازات او وارد شور شد. رای دادگاه در بیست‌ویکمین جلسه آن صادر شد

و در ۱۰ دقیقه ابلاغ شد. رئیس دادگاه خطاب به آیشمن که ایستاده بود، گفت: «شما می‌توانید ظرف ۱۰ روز از رای صادره، تقاضای فرجام کنید». آیشمن بدون اینکه کوچک‌ترین حرفی بزند، اعضای دادگاه را تماشا می‌کرد. فقط لرزش کوچکی در انتهای لب‌های او محسوس بود و نشان می‌داد، او موجود زنده‌ای است و با یک مجسمه فرسود دارد. پس از آنکه آیشمن درباره تقاضای فرجام سکوت کرد، وکیل مدافع او اعلام داشت که در مهلت قانونی تقاضای فرجام خواهد کرد. معاون وکیل مدافع بعداً به خبرنگار یونایتدپرس گفت: تقاضای فرجام بر این اساس به عمل خواهد آمد که قانون را عطف به ماسبق کرده‌اند زیرا هنگامی که ادعا می‌کنند، آیشمن مرتکب اتهامات مندرج در ادعاینامه داستان شده، قانونی برای تعقیب او وجود نداشته و قوانین اسرائیل که به موجب آن آیشمن محاکمه شده پس از جنگ دوم جهانی و تشکیل دولت اسرائیل به وجود آمده است. پس از خاتمه جلسه دادگاه بلافاصله آیشمن به سلول خویش بازگشت و چندین کامیون پرونده‌های اتهامی وی را که مفاد آن معادل یک میلیون و ۲۵۰ هزار کلمه بود از سالن دادگاه خارج کردند. یکی از خبرنگاران که هنگام خروج آیشمن نزدیک وی بود، شنید که او می‌گوید: «من انتظار مجازات اعدام را داشتم». این خبرنگار اظهار می‌دارد برای نخستین بار بود که می‌دیدم، آیشمن واقعاً احساس می‌کند ممکن است به دار آویخته شود. آدولف آیشمن در نهایت ۶ ماه بعد از این حکم در اورشلیم به دار آویخته شد، درحالی که طی این ۶ ماه یادداشت‌هایی در زندان نوشته بود که بعدها به بیرون درز کرد. او در یکی از این یادداشت‌ها، نظرش را درباره هیتلر اینگونه بیان کرده بود: «آدولف هیتلر را ممکن است صد درصد مقصر دانست؛ ولی یک مساله را نباید از نظر دور داشت و آن این است که او مرد نابغه و مقتدر و خودساخته‌ای بود. آنقدر مقتدر و خودساخته که موفق شد خودش را از قالب یک انسان معمولی و پیش پا افتاده در قالب پیشسوی یک ملت ۸۰ میلیونی حلول دهد. من هرگز شخصاً با هیتلر روبه‌رو نشدم ولی موفقیت‌های او موجب می‌شد که من تحت تاثیر او قرار بگیرم. او برای پیشسوی آفریده شده بود و به همین دلیل هم ملت آلمان کورکورانه از او اطاعت می‌کرد. هیتلر همیشه سمبل و مظهر ایده‌آل‌های من بود. هنوز هم که هنوز است در قلبم نسبت به او وفادارم و حاضر به خاطرش شمشیر بکشم و از او دفاع کنم».